

ادغام ضربخانه‌ها و افول کیفی مسکوکات

اواخر دوره‌ی صفوی (ضربخانه هویزه*)

رودی متی**

ترجمه دکتر حسن زندیه***

چکیده

شهر ایالتی هویزه در عربستان یا خوزستان در جنوب غربی ایران، از سپیده دم عصر صفوی مرکز ضرب سکه بود. هویزه طی قرن هفدهم به یک ضربخانه فعال خاص تبدیل شد که به ضرب سکه نقره محمودی، رایج‌ترین پول در سراسر ساحل خلیج فارس می‌پرداخت. طبقه‌بندی محمودی‌های موجود و گزارش‌های مکتوب درباره این سکه‌ها برای ما این فرصت را فراهم می‌کند تا مشکلات اقتصادی‌ای را که ایران در اواخر عصر صفوی به آن مبتلا شده بود، با بررسی مجموعه اظهار نظرهایی که درباره سکه هویزه مطرح شده است، جزیه و تحلیل کنیم. تمرکز مقاله حاضر بر دو بخش است. بخش اول، موقعیت هویزه را در ادغام عمومی ضربخانه‌ها در طول قرن هفدهم در ایران بررسی می‌کند و در پی تبیین این مسئله است که چرا تا حدی عربستان از این قاعده مستثنا بوده است. بخش دوم، در صدد است افول کیفی ادعا شده درباره مسکوکات هویزه را در دهه ۱۶۶۰ از طریق روش‌های سکه‌شناسی اثبات کند و آن را با وضعیت کلی پولی در کشور مرتبط کرده و علل و عوامل سقوط محمودی هویزه را در آغاز قرن هجدهم بررسی کند.

* Mint Consolidation and the worsening of the Late safavid Coinage: The mint of Huwayza, Journal of the Economic and Social History of the orient, (Jesho 44.4), Koninklijke Brill, NV, Leiden, 2001.

** پژوهشگر تاریخ صفویه و قاجاریه در دانشگاه دلیوار آمریکا

*** عضو هیئت علمی پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم

مقدمه

با توجه به تمایل درونی سکه شناسان در به کارگیری مهارت‌های‌شان راجع به دوره‌های تاریخی که در مورد آن‌ها منابع مکتوب خیلی اندک است، یافته‌های‌شان بسیار راه‌گشاست. در نگاه اول جای شگفتی نیست که آگاهی ما از سکه‌های دوره صفوی، کم‌تر از دوران‌های قدیم‌تر تاریخ ایران است. البته منابع مکتوب موجود، بخش‌هایی از این دوره، یعنی زمان سلطنت شاه‌عباس اول (۱۵۸۷_۱۶۲۹ / ۹۹۵-۱۰۳۸) و زمان شاه سلطان حسین (۱۶۹۴-۱۷۲۲ / ۱۱۰۵-۱۱۳۵) را پوشش داده‌اند، به طوری که محققان برای تحصیل داده‌های اساسی تاریخی به رشته‌های فرعی، نظیر سکه‌شناسی نیاز ندارند. با وجود این، آن چه این دوران را به درخشان‌ترین دوره برای سکه شناسان تبدیل می‌کند، نه فقدان، بل که کثرت مطالب منابع مکتوب است؛ منابعی که اطلاعات مهمی درباره انتشار پول دارند. در واقع، دوره‌های معدودی در تاریخ ما قبل عصر مدرن و اوایل تاریخ دوره مدرن خاور میانه می‌توانند به دلیل انطباق مناسب سکه‌ها با ترتیب زمانی آن‌ها به خود بی‌بالند.

این وقایع نامه‌های تاریخی و گزارش‌های کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند (به ترتیب EIC و VOC) به ویژه در مورد منطقه خلیج فارس اطلاعاتی دارند، اما علاوه بر این، اصفهان، پایتخت صفویان و تعدادی از مراکز ایالتی در سواحل جنوب، نواحی داخلی که کمپانی‌های دریایی نمایندگانی در آن‌ها داشتند و به خصوص بندرعباس و کرمان را پوشش می‌دهند. از همان زمانی که انگلیس و هلند در اوایل قرن هفدهم فعالیت خود را در خلیج فارس شروع کردند، به مورخان امکان جست‌وجوی برخی از تحولات حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی‌ای را دادند که وقایع نامه‌های تاریخی بومی ایران در مورد آن‌ها تمایل به سکوت داشته یا فقط اطلاعات اندکی ارائه می‌دهند.

آن چه در پی می‌آید ضرابخانه کرسی ایالتی هویزه در جنوب غربی ایران را بررسی می‌کند؛ ناحیه‌ای که در میان منطقه نفوذی قرار داشت که نمایندگان کمپانی هند شرقی انگلیس و کمپانی هند شرقی هلند معمولاً با آن‌هایی که نسبتاً آشنا بودند و اشخاصی که در گزارش‌های‌شان کاملاً برجسته نشان داده شده‌اند، معامله می‌کردند. هویزه که اسم مصغر هویزا

است در استان ایرانی عرب زبان خوزستان، نام قدیم و جدید منطقه‌ای که قسمت جنوبی آن به عربستان تحت سیطره شاه عباس معروف بود، قرار دارد.^۱ ضربخانه هویزه در گزارش‌های کمپانی‌های دریایی جایگاه مهمی دارد و به خاطر همین دلیل قانع کننده، از آن‌جا که سکه‌های ضرب شده‌اش نه تنها در ایران، بل که در سراسر حوزه خلیج فارس و دریای عرب تا هند غربی کاربرد داشت، می‌توان آن را ضربخانه شاخص جنوب ایران در نظر گرفت.

سکه‌هایی که طی قرن هفدهم در ضربخانه هویزه ضرب می‌شد، به سکه دوشاهی محدود می‌شود که کلاً به محمدی و محمودی معروف است.^۲ در بررسی آثار مربوطه، مجموعه‌ای از ۲۸۰ سکه هویزه متعلق به سال‌های ۹۹۶-۱۱۱۰ را فراهم آوردیم که این سال‌ها از یک شروع فرضی تا زمان خاتمه احتمالی ضرب سکه‌های صفویه را از ضربخانه هویزه در برمی‌گیرند.^۳ تمام این مسکوکات، سکه‌های دوشاهی (محمودی یا محمدی) هستند که نه تنها واحد انحصاری نقره ضرب شده در هویزه بود، بل که همچنین معمولی‌ترین واحد ناحیه داخلی عربستان نیز به شمار می‌رفت. شاهی معروف پنجاه دینار یا یک تومان بود که پول رایج ایرانیان محسوب می‌شد. بنابراین، محمدی به اندازه یک صدم تومان ارزش داشت. صرف نظر از نمونه‌های کلکسیون انجمن سکه‌شناسی امریکایی در نیویورک این مجموعه شامل سکه‌هایی است از مجموعه‌های سکه‌شناسی دانشگاه توپین‌گن^۴ آلمان، موزه بریتانیا در لندن، کتابخانه ملی پاریس، مجموعه ارمیتاژ در سنت پترزبورگ، و همچنین موزه آذربایجان در تبریز، به علاوه تعداد زیادی سکه از مجموعه شخصی آقای استفان آلیم.

در جای دیگر، سکه‌های ضرب ضربخانه هویزه را به دلیل جایگاهی که در بین تمامی سکه‌های صفوی داشته‌اند، از زمان سلطنت شاه عباس اول تا سلطنت شاه سلطان حسین بررسی کرده‌ام. با تمرکز بر تحول انواع سکه‌ها و نوشته‌های روی آن‌ها، مقاله قبلی‌ام، تحول مسکوکات هویزه را با توجه به روابط بین مرکز و محیط پیرامون در اواخر عصر حکومت صفویان توصیف می‌کند. چنان که در سیاست ضربخانه حکومتی هم بیان شده است یکی از نتایج آن این بود که ضربخانه هویزه موقعیت اجتماعی عربستان را در حکومت صفویان منعکس می‌کند که نسبت به ضربخانه مرکزی اصفهان از استقلال قابل توجهی برخوردار بود و متأسفانه در نهایت تحت حوزه اقتدار اصفهان قرار گرفت.^۵ این اظهارات که از نتایج بررسی‌ها نشأت گرفته، یک رشته سؤال‌های متعددی را مطرح می‌کنند.

اولین سؤال‌ها به تنزل بلند مدت در تعدادی از ضرباخانه‌های صفویان طی اواخر قرن شانزدهم مربوط شده و بر تعطیلی ناگهانی تعدادی از ضرباخانه‌های فعال متمرکز می‌شود که در پی کاهش چشمگیر واردات نقره به ایران در اواسط قرن هفدهم روی داد. سؤال دوم، افول کیفی ادعا شده پول رایج را در همان دوره شامل می‌شود که آشکارا در کاهش اوزان و فقدان میزان فلز گران‌بها مشخص بود. هر دو جریان در شرایط مشکلات اقتصادی برجسته که کشور در این برهه با آن مواجه بود، شکل گرفتند. این فرایند عامل سببی یا پیامدی بوده است. به نظر می‌رسد موقعیتی که ضرباخانه‌های عربستان و به ویژه مسکوکات هویزه در تمام این دوره به خود اختصاص می‌دهند مبهم و تا حدی منحصر به فرد است، اولاً: نطقه تمایل کلی نسبت به تحکیم ضرباخانه را کاملاً منعکس نمی‌کند و دست کم در ابتدای کار این گونه نبوده است. عربستان در عصر شاه عباس اول بیش از این که بعضی از ضرباخانه‌هایش را از دست بدهد، شاهد افتتاح ضرباخانه‌های جدید بود که تعداد آن‌ها با موقعیت و اهمیت اقتصادی منطقه تناسب نداشت، ثانیاً: در اواسط قرن، هویزه ابتدا به عنوان فعال‌ترین ضرباخانه پدیدار شد و در تولید تا حد زیادی از رقابیش پیشی گرفت، به گونه‌ای که محمودی هویزه نه تنها در عربستان و حوزه خلیج فارس، بل که در سراسر قلمرو صفویان فراگیر شده و سپس به تنها ضرباخانه فعال در جنوب مبدل شد. ثالثاً: به نظر می‌رسد تولید و شهرت فزاینده با کاهش کیفیت، هم از نظر ظاهر و هم از جنبه میزان فلز مرغوب مسکوکات توأم شد.

ادغام ضرباخانه

اولین سؤال مهم راجع به مواد سکه‌های هویزه در خصوص تغییرات ضرباخانه هویزه و سکه‌هایی است که در آنجا ضرب شده‌اند. سابقه ضرب سکه در هویزه به دوره تیموریان بازمی‌گردد و این ضرباخانه از سپیده دم عصر زمامداری شاه اسماعیل اول سکه‌های نقره ضرب می‌کرده است. این ضرباخانه طی دوره سلطنت شاه عباس اول و جانشینش شاه صفی (دوره فرمانروایی ۱۰۳۸-۱۶۲۹/۱۰۵۲-۱۶۴۲) همچنان به ضرب مسکوکات ادامه داد، اما طی نیمه اول قرن هفدهم بازدهی‌اش تنزل یافت و این امر حاکی از کاهش کلی تولید ضرباخانه طی این دوره بود. به نظر می‌رسد هویزه ظرفیت تولیدی خود را در نیمه دوم قرن هفدهم یا به طور دقیق‌تر با شروع دوره زمامداری شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۶۴۲/۱۰۷۷-۱۶۶۶) افزایش داده و این گونه موقعیت

خود را در مقایسه با سایر ضرباخانه‌های دولت صفوی تحکیم بخشیده باشد. کم و کیف این جریان را می‌توان از مشاهده‌های غیر مستقیمی که در گزارش‌های مکتوب نمایندگان کمپانی هند شرقی انگلیس و هلند آمده، استنباط کرد. آن‌ها اظهار داشتند که در این دوره، محمودی هویزه به فعال‌ترین و گسترده‌ترین پول‌های رایج در گردش تبدیل شده و به طور گسترده در ایران جنوبی و ساحل خلیج فارس به کار گرفته می‌شود. شهرت محمودی هویزه به عنوان یک سکه تجاری کم ارزش ممکن است به دلیل فقدان سکه مسی پذیرفته شده عمومی در این ناحیه بوده باشد.^۶ طی قرن شانزدهم سکه لاری، (سکه‌ای به شکل سنجاق سر یا قلاب ماهی‌گیری) این نقش را ایفا کرده بود.^۷ بعد از الحاق لار به قلمرو صفویان طی دوره زمامداری شاه عباس و بعد از آن، سکه لاری - اروپاییان به آن لارین می‌گفتند - اهمیت خود را از دست داد و از آن‌جا که منابع دریایی اروپایی و سفرنامه‌های غربی آن دوره از آن یاد نکرده‌اند، می‌توان حدس زد که ضرب آن به طور کلی در ایران متوقف شده بود.^۸ تذکره شوشتر به افزایش بی‌سابقه پیشرفت در همه خوزستان بعد از انعقاد معاهده صلح ذهاب (قصر شیرین) بین عثمانی‌ها و صفویان در سال ۱۰۴۹ / ۱۶۳۹ اشاره می‌کند، بنابراین غیر معقول نخواهد بود که فرضیه افزایش بازدهی ضرباخانه هویزه را با این تحول مرتبط بدانیم.^۹ دومین تحول که به صراحت در منابع غربی ذکر شده است، به فرض مسلم کاهش کیفیت سکه‌های ضرب این ضرباخانه در اواخر قرن هفدهم / یازدهم مربوط می‌شود.

تغییرات چشمگیر در موقعیت و عملکرد ضرباخانه‌های ایران عصر صفوی طی قرن هفدهم به وضوح با مشکلات تهیه نقره ارتباط دارد. در اوایل دوران مدرن همانند بسیاری از نقاط جهان همواره در ایران کمبود نقره وجود داشت. اشاره‌های مکرر به کمبود پول در گزارش‌های کمپانی هند شرقی انگلیس منعکس کننده مشکلات تهیه نقره است. دو علت اساسی عامل کمبود تقریباً همیشگی نقره در دوران صفوی هستند. اولین علت از این واقعیت ناشی می‌شود که کشور فاقد معادن نقره بود یا ذخیره معادن موجود دست کم به طور اتفاقی و متناوب مورد کاوش قرار می‌گرفت.^{۱۰} بنابراین، تمام موجودی نقره که در ایران استفاده می‌شد می‌بایست از خارج وارد شود. تمام شمش‌های ضرباخانه‌های ایران برای ضرب سکه به کار می‌بردند از طریق آناتولی عثمانی و تا حدی کم‌تر از راه روسیه وارد کشور می‌شد. دومین علت، ارتباط وضعیت اقتصادی ایران با همسایگانش بود. چنان که اظهار شده است، با وارد شدن فلز

گران‌بها از آن مناطق، تراز بازرگانی ایران با امپراتوری عثمانی و روسیه مثبت شده بود. به هر حال، این وضعیت سودمند نقش متعادل‌کننده‌تری نسبت به تراز تجاری منفی با هند داشت که نه تنها به طور گسترده‌ای پرجمعیت‌تر و فعال‌تر از ایران بود، بل همچنین بسیاری از کالاهایی را که مورد تقاضا و مصرف ایرانیان بود، تولید می‌کرد و در واقع بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران محسوب می‌شد. در مقابل، ایران کالاهای مورد نیاز و تقاضای هند را بسیار کم‌تر تولید می‌کرد، البته این اختلاف به واسطه جریان مداوم شمش از ایران به شبه قاره جبران می‌شد.^{۱۱} جریان شمش به ویژه نقره از راه موقعیت ضرابخانه‌های ایران عصر صفوی به خوبی تبیین می‌شود. همین‌طور تغییرات در کیفیت و امتداد جریان پول به داخل و سراسر ایران در ادغام ضرابخانه‌ها در بعضی مناطق و تمرکز فزاینده ضرابخانه‌ها در مناطق دیگر منعکس می‌شود. نقشه شماره یک، ضرابخانه‌های ایران را که تعداد آن‌ها تقریباً به هفتاد می‌رسید (از این تعداد بیش از چهل ضرابخانه فعال نبودند) و موقعیت آن‌ها را از دوره زمامداری شاه اسماعیل اول (۹۰۷-۱۵۰۱/۹۳۰-۱۵۲۴) تا زمان شاه محمد خدابنده (۹۸۵-۱۵۷۸/۹۹-۱۵۸۷) نشان می‌دهد. تعجب آور نیست که بیش‌ترین تمرکز این ضرابخانه‌های عمدتاً کم دوام در شمال غرب در منطقه مرزی با امپراتوری عثمانی و روسیه که از طریق آن بیش‌ترین فلز گران‌بها وارد قلمرو صفوی شده و در سراسر شمال و جنوب شرق تا خراسان یافت می‌شوند. به همین منوال ضرابخانه‌های محدودی در تمام قسمت جنوبی و نیمه جنوب شرقی قلمرو صفویان وجود داشت.

از موارد جالب توجه در این زمینه، تمرکز ضرابخانه‌ها در مازندران و گیلان، منطقه جنوبی دریای خزر، در این دوره است. چنان‌که قبلاً خاطر نشان کردیم این ایالات در اواخر قرن شانزدهم به طور کامل به قلمرو دولت صفوی منظم شدند. احتمالاً تعداد بسیار ضرابخانه‌ها در این منطقه، بیانگر ماهیت پایدار محلی سیاست‌های مالی، علاوه بر این رونق زندگی اقتصادی است که بر تولید و تجارت نقدی ابریشم متمرکز شده است.^{۱۲}

نقشه شماره دو ضرابخانه‌های صفوی را طی ایام زمامداری شاه عباس اول (۹۹۵-۱۰۳۸/۱۵۸۷-۱۶۲۶) و دوره سلطنت شاه صفی اول (۱۰۳۸-۱۰۵۲/۱۶۲۹-۱۶۴۲) نشان می‌دهد که تعداد آن‌ها به چهل ضرابخانه کاهش یافته است. علل این کاهش (عللی که ریشه آن به واپسین ایام زمامداری شاه طهماسب برمی‌گردد) پیچیده است و ما فقط می‌توانیم تأثیر متقابل آن‌ها را حدس بزنیم. جنگ و بی‌ثباتی طی ثلث آخر قرن شانزدهم و به دنبال آن کاهش

جریان نقره، بی شک از عوامل عمده بودند. می‌دانیم که شروع جنگ عثمانی - ونیز در سال ۹۷۷-۹۸۰ / ۱۵۷۰-۱۵۷۳ و بروز شورش‌هایی در آناتولی در همان زمان بر تجارت تأثیر منفی داشته است.^{۱۳}



نقشه شماره یک: ضرابخانه‌های حکومت صفوی ۹۰۷-۹۹۵ / ۱۵۰۱-۱۵۸۷

شاید قطع جریان پول بین امپراتوری عثمانی و ایران تا حدی بیانگر ناتوانی طهماسب در پرداخت مواجب لشکریانش طی چهارده سال آخر سلطنتش و همچنین فقدان کلی مسکوکات معروف صفوی طی سه سال آخر دوران زمامداریش، سال‌های ۹۸۱-۹۸۴ / ۱۵۷۳-۱۵۷۶ است.^{۱۴} این مشکلات بعد از مرگ شاه تداوم یافت. دور جدید جنگ بین صفویان و عثمانی‌ها که در سال ۹۸۴/۱۵۷۶ شروع شد می‌بایست تا سال ۹۹۸-۹۹۹ / ۱۵۹۰ تداوم یافته باشد. هر دو دولت از مشکلات اقتصادی رنج می‌بردند و تحریم صادرات شمش به ایران که توسط عثمانی‌ها در این زمان اعمال شده بود، سودمند واقع نشد. منابع دریایی اولیه پیامدهای بلندمدتی را منعکس می‌کنند. هنگامی که از کمیابی همیشگی پول در ایران عصر زمامداری شاه عباس شکوه‌ای صورت می‌گرفت، مقامات حکومتی جنگ‌های جاری بین صفویان و عثمانی‌ها را تا حدی باعث این مشکل می‌دانستند.^{۱۵} عثمانی‌ها هم به طور طبیعی از همه جریان‌ها متأثر می‌شدند. می‌دانیم که عثمانی‌ها در ربع آخر قرن شانزدهم با مشکلات مالی دست و پنجه نرم

می‌کردند. آن‌ها در سال ۹۹۲ یا ۹۹۳/۱۵۸۴ یا ۱۵۸۵ از ارزش سکه‌های‌شان کاستند و در همان زمان درصد برآمدند که جریان نقره را به ایران محدود کنند.^{۱۶} به دنبال کاهش ارزش مسکوکات از سال ۹۹۲ - ۹۹۳/۱۵۸۴ - ۱۵۸۵ تمام ضربخانه‌های عثمانی به استثنای آن‌هایی که در استانبول و قاهره بودند، تعطیل شدند.^{۱۷} کاهش مداوم و بلند مدت در تعداد ضربخانه‌های عثمانی در اواخر قرن شانزدهم نیز قابل مشاهده است. در دوره زمامداری سلطان محمد سوم ۱۰۰۳-۱۰۱۲/۱۵۹۵-۱۶۰۳ آنچه نقره تقریباً در چهل ضربخانه ضرب می‌شد که در دوره فرمانروایی سلطان مراد چهارم تعداد آن‌ها تقریباً به سی ضربخانه کاهش یافته بود.^{۱۸} هند نیز در اواخر قرن شانزدهم به طور گسترده‌ای شاهد مشکلات ناشناخته گردش پول بود. در سراسر قلمرو مغولان هند در سال ۹۸۸-۹۸۹/۱۵۸۰-۱۵۸۱ ضرب مسکوکات تقریباً متوقف شد و به استثنای ضربخانه احمد آباد و ضربخانه اردوگاهی شاه اکبر، تمام ضربخانه‌های ضرب نقره برای مدت چند سال کار خود را تعطیل کردند.



نقشه شماره دو: ضربخانه‌های حکومت صفوی ۹۵۵ - ۱۰۵۲ / ۱۵۸۷ - ۱۶۴۲

با وجود این نمی‌توان به آسانی کاهش ضرابخانه‌های ایران را طی قرن هفدهم به کمبود طولانی نقره که تمام جنوب غربی آسیا را فراگرفته بود، نسبت داد. با خاتمه دوره فرمانروایی اکبر بسیاری از ضرابخانه‌های هند مجدداً فعالیت خود را از سر گرفته و ضرابخانه‌های جدید نیز به عرصه تولید وارد شدند.^{۱۹} گفته می‌شود ضرابخانه‌های شمال غربی دولت مغول هم - گرچه بی‌شک حجم اندکی - جریان مداوم نقره را از ایران از مسیر تجاری خشکی دریافت می‌کردند.^{۲۰} نگاهی دقیق‌تر به پراکندگی ضرابخانه‌های فعال ایران در این دوره، این تصور را به وجود می‌آورد که نیروهای دیگری در این امر دخیل بودند. بیش‌تر ضرابخانه‌های خراسان فعالیت خود را متوقف کرده بودند. منطقه ساحلی دریای خزر هم شاهد ادغام آشکار ضرابخانه‌ها در اوایل و هم در اواخر دوره سلطنت شاه عباس اول بود. با وجود این در شمال غرب ضرابخانه‌های آذربایجان و ارمستان به نمایندگی از سایر ضرابخانه‌ها محکم و استوار باقی ماندند. مهم‌تر از مسئله کاهش زیاد جریان فلز گران‌بها، عامل تسریع کننده اولیه برای کاهش ضرابخانه‌ها در منطقه جنوب دریای خزر و در خراسان، انضمام سرزمین جدید به قلمرو صفویان در دهه آخر قرن شانزدهم بود. پتر اسپافورد^{۲۱} تمرکز ضرابخانه‌ها در مناطق مختلف اروپای قرن سیزدهم را ناشی از عوامل تجاری یا توسعه سیاسی دانسته است.^{۲۲} ایران در دوره سلطنت شاه عباس اول آشکارا با مقوله دوم همخوانی داشت. در دوره زمامداری این پادشاه مقتدر و تمرکزگرا به طور طبیعی نیاز به وجود مداوم تعداد زیادی ضرابخانه مستقل و همچنین بهره‌برداری مداوم از بیش‌تر ضرابخانه‌های محلی که تعدادشان کاهش یافته بود، مرتفع شد. به نظر می‌رسد این وضعیت در مقیاس کم‌تری در مورد آذربایجان که صفویان آن را در سال ۱۰۲۲/۱۶۱۳ از عثمانی‌ها باز پس گرفتند و نیز گرجستان شرقی که شاه عباس آن را در سال ۱۰۲۵/۱۶۱۶ تحت انقیاد خود درآورد [و غارت کرد] مصداق داشته باشد. از طرف دیگر، بهره‌برداری مداوم از تعداد نسبتاً زیاد ضرابخانه‌های آن مناطق، به واسطه موقعیت‌شان در مرزهای ایران تشریح می‌شود که محل ورود مسکوکاتی بودند که جریان ورود خود را به کشور ایران به کمک امپراتوری عثمانی و روسیه حفظ کردند.

تعجب انگیزتر از این تحولات پیدایش یک تحول قرینه، یعنی ظهور همزمان جنوب غرب به عنوان منطقه‌ای با تعداد زیاد ضرابخانه‌های منطقه‌ای است. کارلو کیپولا^{۲۳} خاطر نشان می‌سازد که در دنیای ما قبل دوره مدرن کمبود فلز گران‌بها در یک منطقه، با فراوانی آن در

نقاط دیگر مقارن بود.^{۲۴} این پدیده، به ویژه ممکن است با فرض گرفتن قرینه‌ای رابط بین گستره قدرت مرکزی و تعداد ضربخانه‌های منطقه‌ای تشریح شود. چنان که به نظر می‌رسد این قرینه در مورد گیلان و مازندران وجود داشته است. به عبارت دیگر با توجه به حجم زیاد دائمی و مکفی فلز قابل ضرب گران‌بها، ضعف بیش‌تر قدرت مرکزی، باعث فزونی تعدادی از ضربخانه‌هایی شد که به طور کلی منبع مالی حاکمان محلی بودند. با عنایت به این که انضمام ایالات دریای خزر به قلمرو دولت صفوی به طور منطقی باعث ادغام ضربخانه‌ها شد، یک تحول معکوس می‌توانست در افزایش تعداد ضربخانه‌ها در قلمرو حواشی قدرت مرکزی نقش داشته باشد.

چنین فرایندی برای عربستان در دوره بعد از شاه عباس اول قابل قبول نیست. طی دوره زمامداری این پادشاه در پی انضمام این منطقه تحت نظارت قدرت مرکزی صفوی، بیش از شش یا هفت ضربخانه پدیدار نشده بود. بنابراین، افزایش اصلی فعالیت ضربخانه‌ها باید به عوامل دیگری نسبت داده شود.

متأسفانه خاستگاه‌های این فعالیت فزاینده ضربخانه‌ای در عربستان نامعلوم است. توجیه برای این پدیده، تحرک در فعالیت اقتصادی منطقه است. این فعالیت اقتصادی دست کم متأثر از تعدادی از سکه‌های موجود و نیز منابع دریایی بوده است که وجودشان مدت‌ها بعد از سال ۱۶۱۴/۱۰۲۴ حاصل ورود کمپانی‌های دریایی بود که در این فعالیت‌های اقتصادی سهیم بودند. بعد از شروع با شک و تردید ضرب سکه هویزه در دوره شاه عباس اول و تولید متوسط مداوم در دوره جانشینان مستقیم او به نظر می‌رسد بازدهی سکه‌های ضربخانه هویزه به طور چشمگیری در نیمه دوم قرن هفدهم افزایش یافته باشد. این مسئله، بیش‌تر و مهم‌تر از همه در پراکندگی فوق‌العاده سکه‌ها به شکل مورد استفاده این پژوهش منعکس شده است. ۱۹ قطعه از کل ۲۸۰ سکه‌ای که در یک دوره زمانی ۱۱۴ ساله در گردش بوده‌اند، به دوران سلطنت شاه عباس اول تعلق دارند که مدت ۴۲ سال طول کشید. سیزده قطعه آن متعلق به ایام زمامداری شاه صفی اول هستند که مدت سیزده سال حکومت کرد. ۴۹ قطعه آن در دوران سلطنت شاه عباس دوم که مدت ۲۴ سال حکومت کرد، ضرب شده‌اند. تاریخ تمام ۱۹۷ قطعه دیگر از زمان سلطنت شاه صفی دوم/سلیمان اول است که به مدت ۲۶ سال تاج و تخت سلطنت را در کف اختیار خود داشت. فقط دو قطعه سکه وجود دارد که مشخص شده به ایام سلطنت شاه سلطان

حسین تعلق دارند و تاریخ هر دوی آن‌ها مشخص است. وجود تنها تعداد اندکی قالب سکه مربوط به دوره زمامداری شاه سلیمان نشانه دیگری برای تولید زیاد است. با فرض این‌که سکه‌های مورد استفاده در این پژوهش نماینده تمام و کمال بازدهی واقعی ضرابخانه هویزه باشند، می‌توانیم افزایش چشمگیر تولید را از نیمه دوم قرن هفدهم اثبات کنیم.

این افزایش حجم قطعاً توسط گزارش‌های اسناد دریایی که در آن‌ها نام محمودی هویزه طی دهه ۱۶۶۰ به طور متناوب ذکر شده، تأیید می‌شود. اشاره پراکنده در دهه ۱۶۷۰ به مشاهدات مکرر تبدیل شد که نمایندگان کمپانی هند شرقی هلند اغلب شهرت و رواج گسترده سکه‌های هویزه را خاطر نشان می‌سازند، گویی این هم سرآغاز دوره‌ای است که برای صحت اظهارات ایشان به مراتب، نمونه‌های بیش‌تری در اختیار داریم.

همچنین این دوره، بسیار شبیه زمانی است که شکوه اروپاییان در مورد کمبود پول نقره به یک ماجرای غم‌انگیز دائمی مبدل شد.^{۲۵} بعضی از علل این رویه که منابع خارجی در مورد آن سکوت اختیار کرده‌اند، ماهیتی خارجی داشتند. جنگ در اروپا و شایعه جنگ قریب الوقوع میان ایران و عثمانی‌ها، حجم واردات نقره را از غرب کاهش داد. در همان زمان راهزنی چشمگیر کاروان‌ها و نا به سامانی اوضاع سیاسی و اقتصادی در ایران، تجار را بر آن داشت از مسافرت به ایران از طریق امپراتوری عثمانی خودداری ورزند.^{۲۶} از جمله عوامل دیگر، فرمان روسیه بود که در سال ۱۶۶۷ در راستای تلاش برای جلوگیری از صادرات شمش صادر شد و بازرگانان ایرانی و دیگر تجار شرقی را از تبدیل پول‌شان به دوکات و دلارهای شیرنشان به منظور اهداف صادراتی بازداشت.^{۲۷} یک سال بعد ژاپن محدودیتی برای صادرات نقره ایجاد کرد. سرانجام در هند در نیمه دهه ۱۶۷۰ بهای نقره به گران‌ترین سطح خود رسید و این امر تا حدی از اعمال محدودیت‌های ژاپنی‌ها و تا اندازه‌ای هم به دلیل گسترش نقره پایه دولت مغول به سمت بخش جنوبی شبه قاره ناشی شد که به طور سنتی پایه پولش مبتنی بر طلا بود.^{۲۸}

به لحاظ داخلی، عوامل اصلی‌ای که در این کمبود نقش داشتند، به سیاست دولت صفوی در راستای مبارزه با کمبود تهیه خارجی فلز گران‌بها و بحران‌های اقتصادی بازمی‌گردد که با جلوس شاه سلیمان (که این مسئله تا حدی از آن کمبود ناشی می‌شد) به خوبی نمایان شد. این مسئله صرف نظر از ذخیره حکومت که گفته می‌شود به دلیل ممسک بودن شاه سلیمان تقویت شده بود،^{۲۹} شامل فرامین حکومتی می‌شد که کارمزد ۵٪ را بر تمام صادرات نقره تحمیل کرده و

صادرات دوکات‌های نقره را ممنوع ساخته بود.^{۳۰} این حد و حصرها به گونه تناقض‌آمیزی جذابیت واردات نقره را به کشور کاهش داد- بازرگانانی که از امپراتوری عثمانی می‌آمدند اینک بیش‌تر سکه و شمش خود را به بندر آزاد تجاری بصره می‌بردند- و در عوض باعث شد طلا که بازرگانان احساس می‌کردند راحت‌تر می‌توانند به دلیل حجم کمش آن را از مالیات و عوارض بازرسی مخفی کنند، گران‌تر شد. تلاش‌هایی برای هدایت مقدار بیش‌تر نقره وارداتی به کشور به سوی ضربخانه‌ها تأثیر مشابه ضد تولیدی داشت، زیرا این سیاست صرفاً به عنوان مانع دیگری برای بازرگانان ارمنی به کار گرفته می‌شد تا نقره به کشور وارد کنند.^{۳۱}

همه این‌ها تأثیر دوگانه‌ای داشت؛ باعث کاهش جریان نقره به ایران از شمال غرب شد حال آن که نقش کشور را به عنوان منبع نقره برای شبه قاره هند افزایش داد.

کمبود شدید نقره طی پنجاه سال آتی تداوم یافت که طی آن تعداد کمی از سکه‌های صفوی ضرب شدند. نقشه شماره سه پراکندگی ضربخانه‌های ایران را در دوره سلطنت شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷/۱۶۴۲-۱۶۶۶) تا زمان سلطنت شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۰۸۵/۱۶۶۶-۱۶۹۴) زمان اوج بحران در نقره، نشان می‌دهد.

تردید وجود ندارد که ادغام مداوم ضربخانه‌های ایران که در این جا نمایش داده شده، مستقیماً با همین کمبود نقره (که از ذخیره پول‌های معتبر یا خروج مخفیانه آن‌ها از کشور و وارد نشدن نقره جدید به اندازه کافی نشأت می‌گرفت) ارتباط دارد که در پی آن بسیاری از ضربخانه‌ها مجبور شدند از عرصه تجارت خارج شوند. این تحول به هیچ وجه به ایران محدود نشد؛ در کشور همسایه، عثمانی هم کمبود نقره منجر به کاهش تعداد ضربخانه‌ها شد.^{۳۲} هند هم با چنین مشکلی مواجه شد؛ آن‌جا کاهش نقره قابل ضرب باعث کاهش شدید بازدهی ضربخانه‌های دولت مغولی هند بین سال‌های ۱۰۷۵ و ۱۰۹۶/۱۶۶۵ و ۱۶۸۵ شد.^{۳۳} البته باز هم ضربخانه‌های شمال غرب ایران از این وضعیت کم‌ترین تأثیر را پذیرفتند و بیش‌تر آن‌ها هر چند با تولید اندک همچنان به فعالیت خود ادامه دادند، زیرا هر اندازه واردات نقره به کشور ادامه می‌یافت باز هم از طریق امپراطوری عثمانی وارد می‌شد.^{۳۴} در ایران با به قدرت رسیدن شاه سلیمان تعداد ضربخانه‌ها به پانزده مورد کاهش یافته بود.

امروزه این کمبود نقره هنوز در کاهش زیاد حجم سکه‌های موجود صفویه که در اواسط تا اواخر دهه ۱۰۷۰/۱۶۶۰ شروع شده، منعکس می‌شود، چنان که منابع دریایی تأیید می‌کنند که

طی دوره‌ای از سال (۱۰۷۵-۱۰۹۲ / ۱۶۶۵-۱۶۸۲) بیش‌تر ضربخانه‌هایی که در مرکز قرار داشتند - مشخص است که قزوین و اصفهان در این دوره به ضرب سکه مشغول بوده‌اند - و ضربخانه‌هایی که در مناطق مرزی بودند، فعالیت خود را متوقف کردند، فقط ضربخانه‌های آذربایجان و ارمنستان فعالیت خود را تداوم بخشیدند. دوره ۱۰۹۲-۱۰۹۶ / ۱۶۸۲-۱۶۸۵ شاهد وخامت اوضاع بود و با فقدان تقریبی تمامی مسکوکات صفوی به استثنای بعضی فعالیت‌ها در ضربخانه تبریز و تفلیس، نمایش کم فروغ ضرب سکه در اصفهان و احتمالاً تداوم فعالیت در هویزه مشخص می‌شود.^{۳۵}

دولت صفوی در سال ۱۰۹۶/۱۶۸۵ در پاسخ به بحران و تلاش برای جذب دست‌کم بخشی از نقره که همچنان به بیرون از کشور جریان می‌یافت، به «اصلاح» پول رایج پرداخت و مجدداً مسکوکاتی با خطاطی متفاوت و احتمالاً دقت بیش‌تری در درجه و عیار نقره آن ضرب کرد. به هر حال از آن‌جا که صاحب منصبان در اصفهان از پرداخت مناسب قیمت بالای نقره‌ای که به ضربخانه‌ها آورده می‌شد امتناع ورزیدند، نقره کمی در بازار پدیدار شده و خونریزی، البته با خشونت کم‌تری ادامه یافت.^{۳۶}



سکه‌های هویزه در میان همه این‌ها جایگاه جالب توجهی را به دست آوردند. در نگاه اول، به نظر می‌رسد ضرابخانه هویزه با شرح فوق مطابقت دارد. صدور منظم محمودی‌های (تاریخ‌دار) در سال ۱۰۹۲ / ۱۶۸۱ متوقف شد. برای دوره بعدی فقط سه نمونه تاریخ‌دار از سال‌های ۱۱۰۸/۱۶۹۶-۱۶۹۷ و ۱۱۱۶/۱۷۰۴-۱۷۰۵ شناخته شده‌اند. چنان‌که قبلاً خاطر نشان شد، تاریخ اخیر که به سکه غیر منتشره منتسب می‌شود، اگر مشکوک نباشد باید با احتیاط تلقی شود. به هر حال بسیاری از نمونه‌های بد ضرب شده و بدون تاریخ بسیار محتمل است که از دوره بعدی، یعنی سال ۱۰۹۲/۱۶۸۱ بوده باشد.

اگر تداوم تولید در هویزه بعد از سال ۱۰۹۲ / ۱۶۸۱ واقعیت داشته باشد، حاکی از تغییری آشکار در جریان نقره است؛ نقره به جای این که از شمال غرب به مرکز و دورتر به طرف جنوب کشور جریان یابد اینک تمایل داشت به سمت جنوب غربی پیشروی کند. علت عمده این تغییر مسیر ممکن است در دو عامل نهفته باشد: یکی، جذابیت بیش‌تر صدور فلز گران‌بها که در هند در ازای آن قیمت بالایی پرداخت می‌شد، و دیگری نظارت شدید بر صادرات از بنادری که تحت سیطره مستقیم صفویان درآمد. محدودیت‌های صادرات و نظارت شدید بر شمش‌ی که به ساحل حمل می‌شد بی‌شک باعث شد که نقره از راه‌های خروجی معمولی خلیج فارس، مانند بندر عباس تغییر مسیر داده و راهی قلمروی شود که بیرون از حوزه فرمانروایی صفویان قرار داشت. جنوب غربی و سواحل گسترده مستقل آن در این راستا جایگاه برجسته‌ای پیدا کردند.^{۳۷} به نظر می‌رسد دیگر عامل مهم برای موقعیت جذاب عربستان، نزدیکی آن به بصره بوده باشد، [چنان که] بیش‌تر نقره‌ای که به ضرابخانه‌های رسمی صفوی نمی‌رسید، نهایتاً در بصره انباشت می‌شد که به عنوان راه خروجی مهم تجاری برای جریان تجارت از طریق خلیج فارس عمل می‌کرد و اینک خارج از حوزه فرمانروایی صفویان قرار گرفته بود.^{۳۸} در واقع، بیش‌تر فلز گران‌بهایی که راه خود را به بصره گشوده بود، ریشه در لوانت داشت که از حلب راه خود را باز کرده و راهی بین‌النهرین می‌شد، بنابراین هرگز تحت نفوذ و نظارت صفویان در نمی‌آمد. حتی بعد از آن که عثمانی‌ها حدود سال ۱۹۷۰ نظارت رسمی را در بصره اعمال کردند، این بندر همچنان به عنوان

مرکز نظام منطقه‌ای بود که هویزه هم جزئی از آن به شمار می‌آمد. به هر حال بصره هیچ‌گاه به شهر ضرابخانه‌ای ثابتی تبدیل نشد. مطمئناً ترکیب این عوامل بر تداوم عملیات ضرابخانه هویزه تأثیر گذاشته است.

افزایش نسبی جریان نقره به سمت جنوب‌غرب موجب افزایش تعداد ضرابخانه‌های عربستان نشد، بل که بر عکس، جریان نقره در راستای روند کلی در قلمرو صفویان بیش از افزایش، موجب کاهش ضرابخانه‌ها شد و تا دهه ۶۷۰ تنها ضرابخانه فعال در عربستان، ضرابخانه هویزه بود. بنابراین، نتیجه‌ای که می‌توان از این رویداد ارائه کرد این است که اولاً: جنوب‌غربی همچون سایر نقاط کشور از این کمبود نقره متأثر شد و ثانیاً: هویزه ضرابخانه ناموفقی نبود، بل که شاید تنها موفق‌ترین ضرابخانه منطقه بود که تحت شرایط رقابت تنگاتنگ به دلیل کمبود فزاینده نقره، فعالیت می‌کرد. توانایی‌اش در جذب این فلز با پرداخت قیمت بالا نه تنها نقره را از ضرابخانه‌های شمال‌غرب، بل حتی از رقبای منطقه‌ای هم به سوی خود می‌کشاند. در پی فعالیت فزاینده ضرابخانه هویزه سکه‌های آن در سراسر قلمرو صفوی به گردش درآمد، بنابراین به یک واسطه مبادله تبدیل شد که دامنه فعالیت آن از مرزهای منطقه‌ای عربستان و بخش علیای خلیج فارس فراتر رفت.^{۳۹} این وضعیت با اوضاع و احوال هند در نیمه اول قرن هفدهم قابل مقایسه است؛ در آن جا بعد از توسعه قدرت مغولان به گجرات، ضرب و رواج محمودی گجرات به عنوان سکه قبل از دوره مغول، البته فقط به صورت پول محلی تداوم یافت. هانس ون سانتن^{۴۰} این فرضیه را مطرح می‌کند که این کاربرد مداوم باید به عنوان تلاش در راستای کاهش آثار منفی جریان رویبه (سکه رسمی مغولان) از سورات به داخل کشور قلمداد شود. به عبارت دیگر حتی در غیاب مسکوکات رسمی، تداوم مبادلات اقتصادی محلی تضمین شد.^{۴۱} کاملاً محتمل است که محمودی هویزه همان هدف را ابتدا برای منطقه و سپس برای تمام قلمرو صفویان دنبال می‌کرد. البته معلوم نشده است که حکومت مرکزی تا چه اندازه این تداوم و گردش چشمگیر را نظارت و تأیید می‌کرد.

تقریباً همزمان با موفقیت هویزه در راستای تبدیل شدن به مرکز اصلی همگرایی جریان نقره و انحصاری کردن ضرب سکه در جنوب غربی، اسناد دریایی شروع به اشاره به وخامت محمودی هویزه کردند. در سال ۱۶۷۹ و ۱۶۷۰ نمایندگان کمپانی هند شرقی هلند با اشاره به کمبود شدید نقره، خاطر نشان کردند که ضربان هویزه و داورق^{۴۲} طبق معمول، عباسی‌ها را از

بصره و بغداد می‌خرند.^{۴۳} همان ضربان خیلی زود سکه کمیاب عباسی را با نرخ ۱۰ - ۱۹٪ بالاتر از ارزش واقعی خریداری می‌کردند. آن‌ها ظاهراً این هزینه را جبران کرده و توانستند با ضرب مجدد سکه‌ها در قالب سکه‌های محمودی کم ارزش‌تر، منفعتی به دست آورند، بنابراین تمام کشور مملو از سکه‌های هویزه شد.^{۴۴} به نظر می‌رسد که دور باطلی شکل گرفته بود که به واسطه آن، محمودی‌های هویزه با استفاده از قانون گرشم^{۴۵} هرپول جدیدی را که هنوز در کشور در گردش بود، از صحنه تجارت خارج کردند.

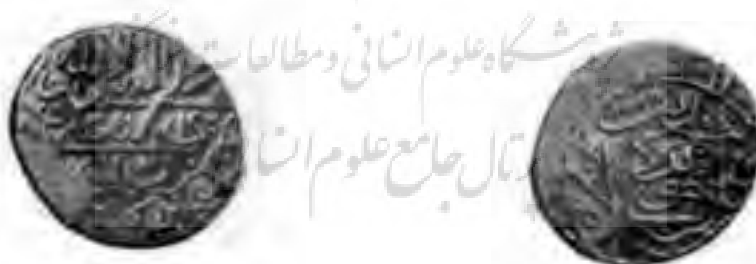
چنین گزارش‌هایی در دهه آتی هم ادامه یافت با این ادعا که محمودی هویزه با هر کمیتی به تنهایی سکه در گردش تبدیل شده و حال آن که همان سکه به لحاظ کیفی به شدت اعتبار خود را از دست داده بود. افزایش سوءظن نسبت به ظاهر سکه‌ها، نمایندگان کمپانی هند شرقی هلند را بر آن داشت که تعدادی از آن‌ها را محک بزنند تا دریابند محتوای به کار رفته در فلز کاملاً زیر استاندارد است. منابع کمپانی هند شرقی هلند بارها به این مطلب اشاره کرده‌اند که محمودی‌های هویزه بیش از ۶۰٪ نقره نداشته‌اند.^{۴۶} دو بریان^{۴۷} هلندی تا اواخر سال ۱۷۰۳ خاطر نشان کرد که ایران پر از محمودی هویزه بود، «زیرا بازرگانان دریافتند ارزش ندارد که آن‌را با خود حمل کرده به نقاط دیگری در خارج از کشور بفرستند.»^{۴۸}

بعید به نظر می‌رسد که هلندی‌ها با به کارگیری تجارب‌شان در امور پولی، استخدام کارشناسان محلی و وابستگی‌شان به دانش کارآمد پولی و ارزش آن برای موفقیت تجاری، توسط دلالان پول که موفق می‌شدند سکه بد را به آن‌ها قالب کنند، گول خورده باشند^{۴۹} بنابراین، دلیل کافی برای تردید در صحت مشاهد‌های آن‌ها وجود ندارد.

گذشته از این، آگاهی ما در مورد وخامت کیفیت سکه هویزه به هیچ وجه به تجربه هلندیان محدود نمی‌شود. یک سند کمپانی هند شرقی هلند از سال ۱۶۷۷ گزارش می‌دهد که چه‌گونه پاشا و حاکم عثمانی بغداد که نسبت به اشتیاق ضربان هویزه در پرداخت نرخ سود بیش‌تر برای عباسی‌ها مشکوک بود، دستور داد یک صد محمودی ذوب شود تا محتویات نقره‌شان مشخص شود، بعد از این که او متوجه شد محتویات آن مسکوکات بیش از ۵۲٪ نقره نیست تصمیم گرفت با اعدام یکی از مالکان سکه‌ها درس عبرتی به دیگران بدهد.^{۵۰} ما برای ارجاعات دیگر که صرفاً به گزارش‌های تجار و سیاحان اروپایی که احتمالاً اطلاعاتی از دیگر هموطنان خود شنیده و طوطی‌وار تکرار می‌کنند، اتکا نمی‌کنیم. برش سکه‌ها و بررسی محتویات

فلز گران بها از مدت‌ها پیش باعث نگرانی و خشم مردم شده و در اواخر دهه ۱۶۷۰ در بازارهای ایران اعتراض عمومی راجع به تورم و وضعیت اسفبار جریان پول شکل گرفته بود.^{۵۱} مقایسه سکه‌های موجود آشکارا به‌ترین میزان برای اشارات متعدد به کاهش استانداردهای پول است. بی‌تردید، ظاهر محمودی هویزه از این دوره، نقش استاندارد رو به وخامت را، هر چند نه در محتوای نقره، بل که مطمئناً در سبک، تقویت می‌کند.

البته همه این‌ها مبتنی بر سکه‌های موجودی است که برای تک تک سال‌های اواسط تا اواخر قرن هفدهم موجود نمی‌باشند. به هر حال با بررسی سکه‌های موجود از دوره شاه سلیمان، افول کیفی غیر قابل تردید در دقت به کار رفته در ضرب سکه‌ها و نیز در نقوش‌شان قابل مشاهده است. تقریباً تمام محمودی‌هایی که از دوره سلطنت او باقی مانده‌اند آشکارا نشان می‌دهند که برای تحصیل حداکثر بازدهی با تعجیل زیاد ضرب شده‌اند یا بسیاری از آن‌ها اشکال نامنظمی دارند؛ بعضی از آن‌ها کوچک‌تر از بقیه، بسیاری از آن‌ها بیضی شکل، بعضی از آن‌ها بی‌نهایت فرسوده هستند و لبه‌های بسیاری از آن‌ها ترک برداشته است و تقریباً تعدادی از آن‌ها ظاهری بد ترکیب دارند. مقایسه چند نمونه، این نکته‌ها را آشکار می‌سازد. تصاویر شماره ۱ و ۲ به ترتیب دو محمودی از دوره سلطنت شاه عباس اول و شاه صفی اول هستند، تصاویر شماره ۳ و ۴ در دوره زمامداری شاه عباس دوم به ترتیب در سال‌های ۱۶۴۳/۱۰۵۳ و ۱۶۶۲/۱۰۷۲ ضرب شده‌اند و هیچ‌یک از آن‌ها در برابر کیفیت ساخت و دقت به کار رفته در سکه‌های ضرب شده در دوران شاه عباس اول و حتی در دوره سلطنت شاه صفی تاب مقاومت و خودنمایی ندارند.^{۵۲}



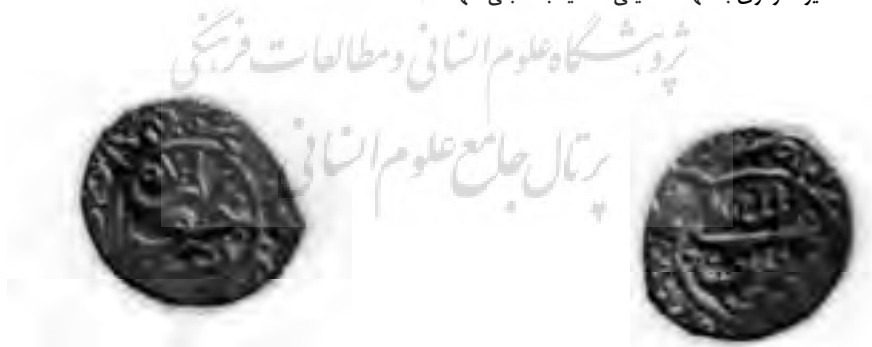
- ۱- انجمن سکه‌شناسی امریکایی نیویورک، شماره کاتالوگ ۱۹۲۲/۲۱۶/۷۵۸، نقره، تاریخ صدور ۱۰۰۵، ۳/۸۱۹ گرم.
 روی سکه: دایره مرکزی با نام ضربخانه، از پایین به بالا. حاشیه با عباس، بنده شاه ولایت
 پشت سکه: شهادت شیعی در سه ردیف افقی. حاشیه با نام‌های امام حسن و حسین



- ۲- انجمن سکه‌شناسی امریکایی نیویورک، شماره کاتالوگ ۱۹۳۸/۱۴۸/۳۴۵، نقره، بدون تاریخ، ۳/۶۳ گرم.
 روی سکه: دایره مرکزی با نام ضربخانه. حاشیه: هست از جان غلام شاه صفی
 پشت سکه: دایره مرکزی با شهادت شیعی. حاشیه: ما بقی شهادت



- ۳- مجموعه سکه‌شناسی دانشگاه توپینگن، شماره کاتالوگ IC10,f5، نقره، تاریخ ۱۰۵۳، ۳/۵۹ گرم.
 روی سکه: دایره مرکزی با نام ضربخانه و تاریخ. حاشیه: عباس، بنده شاه ولایت (تا حدی خوانا)
 پشت سکه: دایره مرکزی با شهادت شیعی. حاشیه با ما بقی شهادت



۴ - مجموعه سکه‌شناسی دانشگاه توپینگن، شماره کاتالوگ ۱۳۴ - ۴ - ۹۱، نقره، تاریخ صدور ۱۰۷۲، ۳/۴۳ گرم.

روی سکه: مانند سکه قبلی.

پشت سکه: مانند سکه قبلی

به هر حال، مقایسه‌ای بین این‌ها و سه نمونه از دوران زمامداری شاه سلیمان به ترتیب از سال‌های ۱۰۸۸ / ۱۶۷۸، ۱۰۸۹ / ۱۶۷۹ و ۱۰۹۲ / ۱۶۸۲ هر گونه شک و تردید باقی مانده در مورد روند رو به وخامت مسکوکات را برطرف می‌کند. هر سه سکه شماره ۵، ۶ و ۷ نمونه‌ای از وضعیت مسکوکات هویزه طی دوره سلطنت شاه سلیمان هستند:



۵ - مجموعه سکه‌شناسی دانشگاه توپینگن، شماره کاتالوگ ID5 B4 نقره، تاریخ صدور ۱۰۸۸، ۳/۳۲ گرم.

روی سکه: دایره مرکزی با نام ضرابخانه و تاریخ ضرب. حاشیه: بنده شاه ولایت [سلیمان]

پشت سکه: مانند سکه قبل



۶ - مجموع سکه‌شناسی دانشگاه توپینگن، شماره کاتالوگ ID5B5 نقره، تاریخ صدور ۱۰۸۹، ۳/۱۵ گرم

روی سکه: مانند سکه قبل

پشت سکه: مانند سکه قبل



۷- انجمن سکه‌شناسی امریکایی نیویورک، شماره کاتالوگ ۱۹۳۸/۱۴۸/۳۴۳، نقره، تاریخ صدور ۱۰۹۲ق / ۳/۳۷ گرم.
روی سکه: مانند سکه قبل (تا حدی ناخوانا)
پشت سکه: مانند سکه قبل (تا حدی ناخوانا)

این‌ها هنوز تاریخ‌دارند. بسیاری از محمودی‌های هویزه از دوره سلطنت شاه سلیمان تاریخ ندارند. چنان‌که قبلاً خاطر نشان کردیم یک احتمال معقول وجود دارد که این سکه‌های بدون تاریخ به لحاظ زمانی بعد از سری سکه‌های منظم تاریخ دار ضرب شده‌اند؛ یعنی این‌ها به دوره زمانی بعد از سال ۱۰۹۲ تعلق دارند. اگر مسئله همین باشد، یک افول کیفی فزاینده دائمی مسکوکات مشخص می‌شود. نمونه‌های ذیل شماره‌های ۸ و ۹ براساس شکل نمونه‌های خوبی هستند که تقریباً ناخوانا بوده، اما آشکارا به دوره زمامداری شاه سلیمان تعلق دارند.



۸- انجمن سکه‌شناسی امریکایی نیویورک، شماره کاتالوگ ۱۹۳۷/۱۴۸/۲۶۴، نقره، بدون تاریخ، ۳/۳۴ گرم (سوراخ شده).
روی سکه: مانند سکه قبل (تا حدی ناخوانا)
پشت سکه: مانند سکه قبل (تا حدی ناخوانا)



۹ - انجمن سکه‌شناسی امریکایی نیویورک، شماره کاتالوگ ۱۹۳۸/۱۴۸/۲۶۳، نقره، بدون تاریخ، ۳/۳۸ گرم.
 روی سکه: مانند سکه قبل (عمدتاً ناخوانا)
 پشت سکه: مانند سکه قبل (عمدتاً ناخوانا)

ملاک افول کیفی سکه هویزه به شکل آن محدود نمی‌شود. در دهه آخر ضرب منظم، نمونه‌های متنوع سکه‌هایی که روی آن‌ها منقش می‌شد، در بین محمودی‌های هویزه یافت می‌شود. یک نمونه، سکه شماره ۱۰ است که به احتمال زیاد از سال ۱۰۸۹ / ۱۶۷۹ باقی مانده است و پشت و روی سکه منقش است.



۱۰ - انجمن سکه‌شناسی امریکایی نیویورک، شماره کاتالوگ ۱۹۲۲/۲۱۶/۹۵۰، نقره، تاریخ صدور ۹ [۱۰۸]، ۳/۱۸ گرم (سوراخ شده).
 روی سکه: مانند سکه قبل و طرح سکه، کلمه رایج را ترسیم کرده است.
 پشت سکه: مانند سکه قبل به شکل طاووس است.

احتمالاً اولین طرح سکه اشعار می‌دارد که سکه در یک نظم و ترتیب خوبی یافت شده و آن را اعتبار بخشیده و تأیید می‌کند؛ روندی که به لحاظ منطقی در مورد سکه‌ای ظاهر می‌شود که مدت زیادی در گردش بوده و کیفیت آن در میان کسانی که آن را به کار می‌بردند، مورد تردید است. جالب و محتمل این است که آشکارا چنین طرح سکه‌ای برای دیگر سکه‌های

صفوی این دوره، به غایت کمیاب هستند. مشخص نیست که آیا طرح روی سکه‌ها کاربرد محلی داشته یا توسط صاحب منصبان رسمی استفاده می‌شد. این که کمپانی‌های دریایی گرفتار تأیید اعتبار سکه‌های مشکوک شدند از روی طرح سکه‌ها، نمونه شماره ۱۱ کمپانی هند شرقی هلند مشخص می‌شود. کمپانی هند شرقی هلند این رویه را در دهه ۱۴۸۰ و ۱۴۹۰ برای محک زدن سکه‌های صفوی به وسیله طرح سکه و در بعضی موارد توسط سکه‌های جالب انجام می‌داد.^{۵۳}



۱۱ - مجموعه سکه‌شناسی دانشگاه توپینگن، (مجموعه شخصی دکتر الیش Ilisch بدون کاتالوگ)، نقره، بدون تاریخ، ۶۳/۳ گرم.

روی سکه: مانند سکه قبل

پشت سکه: مانند سکه قبل

مفهوم طاووس نر مشخص نیست، لکن سمبل آن منحصر به فرد نمی‌باشد، زیرا سه نمونه در مجموعه توپینگن یافت شده که در ذیل نشان داده می‌شود؛ شماره ۱۳، ۱۲ و ۱۴ همچنین طاووس زینت بخش سکه‌های مسی مختلفی از دوره صفوی بوده است.



۱۲ - مجموعه سکه‌شناسی دانشگاه توپینگن، شماره کاتالوگ ۱۲۵ - ۱ - ۹۱، نقره، بدون تاریخ، ۳/۴۳ گرم.

روی سکه: مانند سکه قبل؛ طرح سکه طاووس

پشت سکه: مانند سکه قبل



۱۳ - مجموعه سکه‌شناسی دانشگاه تبریز، شماره کاتالوگ ID5C5 نقره، بدون تاریخ، ۳/۳۰ گرم.

روی سکه: مانند سکه قبل

پشت سکه: مانند سکه قبل



۱۴ - مجموعه سکه‌شناسی دانشگاه تبریز (مجموعه شخصی دکتر الیش)، نقره، بدون تاریخ، ۳/۴۱ گرم.

طرح سکه متفاوت به شکل یک ستاره هشت گوشه در دو سکه قابل رؤیت است که هر دوی آن‌ها به سال ۱۸۷۸-۱۸۷۹/۱۰۸۹

تعلق دارند (شماره ۱۵ و ۱۶).



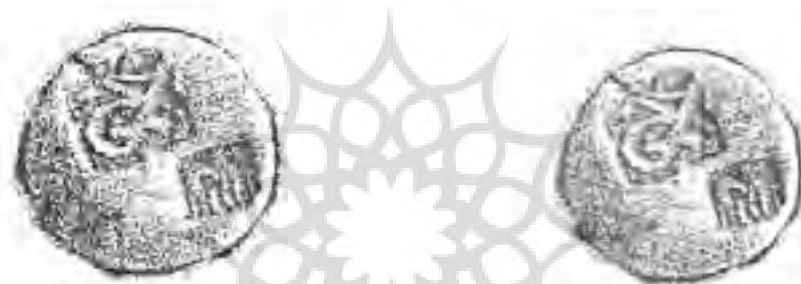
۱۵ - مجموعه سکه‌شناسی دانشگاه تبریز، شماره کاتالوگ ۱۷۹ - ۲۸ - ۹۲، نقره، تاریخ صدور ۱۰۸۹، ۳/۵۳ گرم.

روی سکه: مانند سکه قبل

پشت سکه: مانند سکه قبل



۱۶- مجموعه سکه‌شناسی دانشگاه توپینگن، شماره کاتالوگ ID5B6 نقره، تاریخ صدور ۱۰۸۹، ۲/۴۴ گرم
صورت ظاهر نمونه آخر باعث می‌شود که طرح سکه، طبیعی به نظر برسد، حتی طرح سکه
جالب‌ترین نمونه‌ای است که در موزه بریتانیا یافت می‌شود. تمام زمینه پشت و روی سکه شماره
۱۷ به جز نقطه‌ای که دو مهر رایج آشکار می‌سازد که سکه هویزه است، مخدوش شده است.



موزه بریتانیا، شماره کاتالوگ ۸۳-۷-۸-۹، نقره، بدون تاریخ، ۲/۹۸ گرم.

روی سکه: مانند سکه قبل (عمدتاً ناخوانا)

پشت سکه: مانند سکه قبل (عمدتاً ناخوانا)

علاوه بر این، با تکیه بر سبک و طرح سکه، من به منظور اثبات فرضیه کاهش استانداردهای
مسکوکات هویزه دو روش را برگزیده‌ام که روش اول، مشتمل بر ریخت‌شناسی سکه هویزه
است. سکه‌های صفوی مطابق با استاندارد وزن ضرب شده‌اند. با تجزیه و تحلیل محمودی‌های
هویزه که اوزان آن‌ها با این استاندارد مطابقت دارد، انتظار می‌رود که اطلاعاتی در مورد دو
مسئله به دست آید: یکی، میزان مشابهت این سکه محلی با تمام مسکوکات صفوی است و
دیگری اثبات داخلی بودن آن سکه است.

برای دستیابی به نتایج قابل اعتماد، مطابقت دوره‌های ضرب سکه با استانداردهای وزنی متفاوت سکه‌ها به دو طبقه تقسیم می‌شوند. این دوره، از سال ۱۰۰۰-۱۵۹۱/۱۰۵۴-۱۶۴۵ که استاندارد سکه عباسی ۷/۶۸ گرم بود، دومین دوره، از سال ۱۰۵۵-۱۱۱۰/۱۶۴۵-۱۶۹۹ را در برمی‌گیرد که استاندارد ۷/۳۹ گرم بوده است. از آن جا که محمودی با نیم عباسی برابری می‌کرد، استاندارد محمودی در این دو دوره به ترتیب ۳/۸۴ و ۳/۶۹ گرم بود.

جدول هیستوگرام شماره یک که نمایانگر دوره زمانی از سال ۱۰۰۰-۱۵۹۱/۱۰۵۴-۱۶۴۵ است، نتیجه یک نمونه از چهل و سه سکه را که وزن‌شان برای من مشخص بود و سوراخ دار هم نبودند، نشان می‌دهد. این جدول، الگوی وزنی نسبتاً منظمی را با سکه‌های زیادی که به فاصله وزنی ۳/۷۵ و ۳/۷۹ تقسیم می‌شوند، نشان می‌دهد و فقط دو نمونه غیر عادی که وزن‌شان کم‌تر از ۳/۵ گرم بوده (وزن یک سکه به کم‌تر از ۲/۶۸ گرم رسید) از قلم افتاده‌اند. به هر حال، این همگونی وزنی کاملاً با تمام استانداردهای وزنی مسکوکات صفوی که گفته شد ۳/۸۴ گرم بوده است، مطابقت ندارد. وزن استاندارد محمودی هویزه قبل از سال ۱۰۴۵ به تناوب ۳/۷۹ - ۳/۷۵ گرم رؤیت شده که در صدر این نمونه مشخص شده است. مقایسه‌ای سطحی با مسکوکات شمال غرب کشور در همان دوره نشان می‌دهد که محمودی هویزه نه تنها نسبتاً از اندازه طبیعی خود پایین‌تر قرار گرفته، بل که همچنین به لحاظ وزنی سبک‌تر از میانگین وزن واقعی سکه‌های صفوی همان دوره است. گفته می‌شود وزن واقعی عباسی در دوره سلطنت شاه عباس اول ۷/۶۲ گرم بوده است^۴ که در تخمین میانگین وزن، به عباسی‌ای که در ضرابخانه تفلیس در دوره شاه صفی اول به وزن ۷/۶۰ گرم ضرب شده است، نزدیک است.^۵ از هر دو مورد می‌توانیم میانگین وزن ۳/۸۱ گرم را برای محمودی فرضی تخمین بزنیم.

جدول هیستوگرام شماره یک

سکه‌های هویزه سال ۱۰۰۰-۱۵۹۱/۱۰۵۴-۱۶۴۵

شماره سکه‌ها به عنوان درصد کل

۰٪ ۱۰٪ ۲۰٪ ۳۰٪ ۴۰٪

شماره
مسکوکات

نوسان وزن گرم

۳

۳/۵۰۰ کم‌تر از

۳/۵۰۰-۳/۵۴۹	۱	**
۳/۵۵۰-۳/۵۹۹	۵	*****
۳/۶۰۰-۳/۶۴۹	۷	*****
۳/۶۵۰-۳/۶۹۹	۲	***
۳/۷۰۰-۳/۷۴۹	۹	*****
۳/۷۵۰-۳/۷۹۹	۹	*****
۳/۸۰۰-۳/۸۴۹	۵	*****
۳/۸۵۰-۳/۸۹۹	۱	**
۳۹۰۰-۳/۹۴۹	۱	**

توزیع در ۳/۵۰۰ با درجه فاصله ۵٪ شروع می‌شود.

فاصله با بیش‌تر سکه‌ها ۳/۷۰۰ - ۳/۷۴۹ بود.

نه سکه یا ۲۰٪ از تمام ۴۳ سکه را شامل می‌شود.

تعداد کل سکه‌ها: ۴۳

وزن خالص: ۳/۶۷۰ گرم

انحراف معیار: ۰/۱۹۱

ضریب خطا: ۵/۲۱۴٪

این برنامه مطابق با آن چیزی است که دیوید سلوود^۶ منتشر کرده است:

"A Basic program for Histograms," Numismatic Chronicle (1980): 201-04;
adapted for the ANS system by Michael L. Bates.

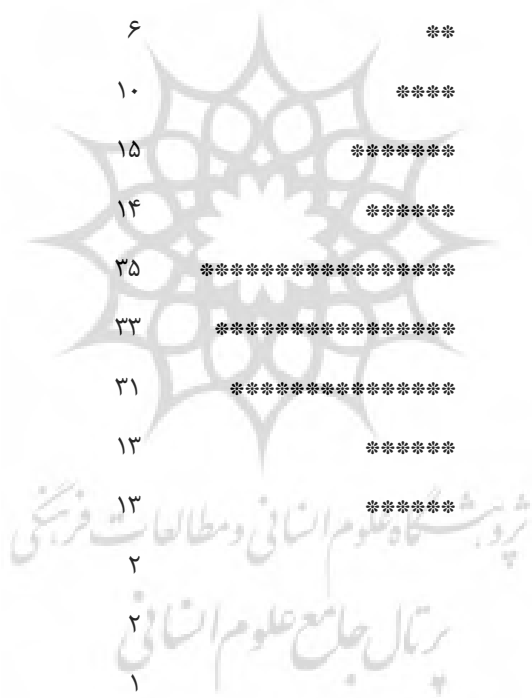
جدول هیستوگرام شماره دو که دوره زمانی ۱۶۴۹/۱۰۵۵ تا پایان ضرب سکه هویزه در سال ۱۶۹۹/۱۱۱۰ را ارائه می‌کند تصویر متفاوتی را نشان می‌دهد. به رغم وجود نمونه‌های بیش‌تر، یعنی ۲۰۴ سکه از این دوره، بی‌نظمی بیش‌تری در آن گستره وسیع‌تر وجود دارد. بیش‌تر سکه‌ها به فاصله وزن ۳/۵ - ۳/۴ تقسیم می‌شوند، حال آن‌که وزن خالص‌شان به ۳/۲۹۱ گرم کاهش یافته است. این بدان معناست که به طور متوسط وزن آن‌ها کم‌تر از یک سوم گرم استاندارد وزن رسمی ۳/۶۹۰ گرم و کم‌تر از یک پنجم گرم وزن واقعی سکه‌های شمال غرب همان دوره هستند که وزن رسمی ۳/۷۰ گرم ثبت شده است.

جدول هیستوگرام شماره ۲
سکه‌ها، هویزه از سال ۱۰۵۵ - ۱۱۱۰ / ۱۶۴۵ - ۱۶۹۹

شماره سکه‌ها به عنوان درصد کل

۰ % ۱۰ % ۲۰ % ۳۰ % ۴۰

نوسان وزن گرم	شماره مسکوکات	
۳/۰۰۰ کمتر از	۶	
۳/۰۰۰-۳/۰۴۹	۴	*
۳/۰۵۰-۳/۰۹۹	۱	
۳/۱۰۰-۳/۱۴۹	۹	****
۳/۱۵۰-۳/۱۹۹	۸	***
۳-۲۰۰-۳/۲۴۹	۶	**
۳/۳۵۰-۳/۲۹۹	۱۰	****
۳/۳۰۰-۳/۳۴۹	۱۵	*****
۳/۳۵۰-۳/۳۹۹	۱۴	*****
۳/۴۰۰-۳/۴۴۹	۳۵	*****
۳/۴۵۰-۳/۴۹۹	۳۳	*****
۳/۵۰۰-۳/۵۴۹	۳۱	*****
۳/۵۵۰-۳/۵۹۹	۱۳	*****
۳/۶۰۰-۳/۶۴۹	۱۳	*****
۳/۶۵۰-۳/۶۹۹	۲	
۳/۷۰۰-۳/۷۴۹		
۳/۷۵۰-۳/۷۹۹	۱	
۳/۸۰۰-۳/۸۴۹	۰	
۳/۸۵۰-۳/۸۹۹	۱	



توزیع در ۳۰۰۰ با درجه فاصله ۵٪ شروع می شود
فاصله با بیش تر سکه ها ۳/۴۴۹ - ۳/۴۰۰ بود
۳۵ سکه یا ۱۷٪ از ۲۰۴ سکه را شامل می شود.

تعداد کل سکه ها: ۲۰۴

وزن خالص: ۳/۴۲۰ گرم

انحراف معیار: ۱۹۰٪

ضریب خطا: ۵/۵۸۲٪

این برنامه مطابق با آن چیزی است که دیوید سلوود^۷ منتشر کرده است:

"A Basic program for Histograms," Numismatic Chronicle (1980): 201-04;
adapted for the ANS system by Michael L. Bates.

دومین بررسی کیفیت مسکوکات هویزه، به شکل سنجش وزن مخصوص صورت گرفته است. چنان که مشهور است سنجش وزن مخصوص برای نقره خیلی دقیق نیست، لذا یافته های آن باید با احتیاط تلقی شود. از طرف دیگر حتی اگر یافته های آن با توجه به محتوای نقره مسکوکات نمی تواند نهایی و مسلم تلقی شود اما یک مقایسه فرا زمانی می تواند مبین روند نسبی آن مسئله باشد.^۸ به رغم نوسان ها و اذعان به بی دقتی ناشی از پراکندگی نامنظم سکه ها در طول زمان، باز هم نتایج به دست آمده خیلی جالب است. جدول شماره یک نشان می دهد که وزن مخصوص سکه هویزه در دوره شاه عباس اول و شاه صفی محتوای سکه نقره را آشکار می سازد که همواره بالای ۱۰٪ بوده است. در دوره سلطنت شاه عباس دوم وزن بعضی از سکه ها تا سطح ۹۰-۸۰٪ تنزل یافته است. کاهش بیش تر در دوره زمامداری شاه سلیمان رخ داد، هنگامی که برای سکه های تاریخ دار مشتمل بر دوره زمانی ۱۰۸۴-۱۰۹۲/۱۶۷۳-۱۶۸۱ عالی ترین درصد وزن روی سکه را ۸۵٪ در نظر گرفتند، در حالی که نمونه های ۷۰-۷۵٪ نیز معمول بود. پایین ترین وزن ممکن، محتوای نقره ای کم تر از ۵۰٪ و بنابراین، نهایت بی ارزشی را نشان می دهد. برای سکه های بدون تاریخ از همان زمان، نتایج مشابهی به دست آمده که بسیاری از آن ها وزن شان خیلی کم بوده، بنابراین، مشتمل بر میلیاردها سکه است؛ یعنی سکه هایی که آلیاژشان کم تر از ۵۰٪ نقره است روی هم رفته تجزیه و تحلیل وزن، کاهش

تدریجی آلیاژ نقره را نشان می‌دهد. با توجه به ویژگی سکه هویزه، هیچ یک از این‌ها اثبات نمی‌کند یا حتی نشان نمی‌دهد که همان مطلب برای سکه‌هایی که توسط ضرابخانه‌های دیگر ایرانی ضرب شده، می‌تواند حقیقت داشته باشد.

نمودار شماره یک

سکه	شماره انجمن	سال	اولین آزمون	دومین آزمون	سومین آزمون	چهارمین آزمون
شناسی امریکایی	۱۹۲۲-۲۱۶/۷۵۷	۱۰۰۰	۱۰/۳۶۱	۱۰/۳/۴۷	۵۱۰/۳۵۷	۹۲٪
	۱۹۲۲-۲۱۶/۷۶۰	xAbbasI	۱۰/۴۱۵	۱۰/۴۰۹	۱۰/۳۹۹	۹۵٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۳۲۹	xAbbasI	۱۰/۳۵۸	۱۰/۳۸۴	۱۰/۳۹۸	۹۳٪
	۱۹۲۲-۲۱۶/۵۷۸	۱۰۰۵	۱۰/۴۲۱	۱۰/۴۳۵	۱۰/۴۱۳	۹۶٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۳۲۸	۱۰۰۵	۱۰/۳۷۶	۱۰/۳۹۱	۱۰/۳۸۸	۹۴٪
	۱۹۵۹-۱۶۵/۳۶۹	۱۰۳۸-۵۲	۱۰/۳۳۸	۱۰/۲۱۱	۱۰/۳۳۰	۹۱٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۳۴۵	۱۰۳۸-۵۲	۱۰/۴۲۹	۱۰/۳۸۷	۱۰/۳۸۴	۹۲٪
	۱۹۲۲-۲۱۶/۸۰۲	۱۰۳۸-۵۲	۱۰/۳۷۹	۱۰/۳۷۴	۱۰/۴۱۷	۹۴٪
	۱۹۲۲-۲۱۶/۹۷۶	۱۰۶۴	۱۰/۳۳۸	۱۰/۳۳۶	۱۰/۳۶۹	۹۲٪
	۱۹۲۲-۲۱۶/۸۷۷	۱۰۷۲	۱۰/۳۴۳	۱۰/۲۵۰	۱۰/۴۲۴	۸۷٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۳۳۰	۱۰۵۲-۷۷	۱۰/۳۰۸	۱۰/۲۵۰	۱۰/۳۵۴	۸۹٪
	۱۹۷۴-۲۶/۶۸۰	۱۰۵۲-۷۷	۱۰/۲۸۳	۱۰/۱۲۳	۱۰/۰۸۹	۸۱٪
	۱۹۲۲-۲۱۶/۶۶۶	۱۰۵۲-۷۷	۱۰/۱۶۳	۱۰/۲۶۸	۱۰/۱۳۵	۸۴٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۳۳۱	۱۰۸۴	۱۰/۰۷۳	۱۰/۰۶۰	۱۰/۰۷۹	۷۶٪
	۱۹۳۸-۱۱/۳۰	۱۰۸۵	۱۰/۱۸۵	۱۰/۱۹۴	۱۰/۱۹۴	۸۳٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۳۴۴	۱۰۸۵	۱۰/۱۷۰	۱۰/۱۷۵	۱۰/۱۷۸	۸۲٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۳۳۴	۱۰۸۶	۱۰/۰۳۸	۱۰/۰۴۱	۱۰/۰۴۰	۷۵٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۳۳۲	۱۰۸۷	۱۰/۰۶۴	۱۰/۰۵۷	۱۰/۰۷۸	۷۶٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۳۳۶	۱۰۸۸	۹/۹۹۰	۹/۹۱۳	۹/۹۰۶	۷۰٪
	۰۰۰-۹۹۹/۱۸۰۶۶	۱۰۹۸	۹/۹۴۴	۹/۹۵۳	۹/۹۵۲	۷۰٪
	۱۹۱۷-۲۱۶/۳۰۳۰	۱۰۸۹	۱۰/۰۴۰	۱۰/۰۳۷	۱۰/۰۳۸	۷۵٪
	۱۹۲۲-۲۱۶/۹۵۰	[۱۰۸]۹	۱۰/۰۸۶	۱۰/۰۹۰	۱۰/۰۸۳	۷۸٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۳۲۲	۱۰۹۰	۹/۵۶۱	۹/۵۶۵	۹/۵۵۹	<۵۰٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۳۳۵	۱۰۹۱	۹/۶۷۹	۹/۵۶۵	۹/۶۹۶	۵۰٪

سکه	شماره انجمن شناسی امریکایی	سال	اولین آزمون	دومین آزمون	سومین آزمون	چهارمین آزمون
	۱۹۳۹-۲۰/۲۴	۱۰۹۱	۹/۸۵۷	۹/۶۴۷	۹/۸۸۱	۶۰٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۳۴۳	۱۰۹۲	۹/۶۹۳	۹/۶۸۵	۹/۷۳۰	۵۱٪
	۱۹۱۷-۲۱۶/۳۰۳۱	-۱۱۰۵	۱۰/۰۶۸	۱۰/۰۰۲	۱۰/۰۶۰	۷۶٪
		۱۰۷۹				
	۱۹۷۳-۱۱۷/۱۱	-۱۱۰۵	۱۰/۲۲۷	۱۰/۱۹۰	۱۰/۱۸۹	۸۴٪
		۱۰۷۹				
	۱۹۳۸-۱۴۸/۳۳۳	-۱۱۰۵	۹/۶۵۵	۹/۴۰۵	۹/۴۷۷	<۵۰٪
		۱۰۷۹				
	۱۹۳۸-۱۴۸/۲۷۰	-۱۱۰۵	۱۰/۰۵۹	۱۰/۰۶۷	۱۰/۱۳۱	۸۰٪
		۱۰۷۹				
	۱۹۳۸-۱۴۸/۳۳۷	-۱۱۰۵	۱۰/۰۵۲	۱۰/۰۶۷	۱۰/۰۷۴	۷۶٪
		۱۰۷۹				
	۱۹۳۸-۱۴۸/۲۶۸	-۱۱۰۵	۹/۸۲۰	۹/۹۷۲	۹/۹۴۷	۶۷٪
		۱۰۷۹				
-۹۹۹/۱۸۰۴۵	-۱۱۰۵	۹/۵۵۸	۹/۶۱۳	۹/۵۸۳	<۵۰٪
		۱۰۷۹				
	۱۹۳۸-۱۴۸/۲۶۹	ناخوانا	۹/۹۹۱	۱۰/۰۳۵	۱۰/۰۶۷	۷۲٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۲۷۷	ناخوانا	۹/۰۰۶	۹/۰۰۱	۹/۹۷۸	<۵۰٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۲۶۳	ناخوانا	۹/۴۴۳	۹/۴۳۵	۹/۴۸۳	<۵۰٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۲۶۴	ناخوانا	۹/۹۷۸	۱۰/۰۸۲	۱۰/۱۷۳	۷۲٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۲۶۶	ناخوانا	۹/۵۰۱	۹/۳۶۱	۹/۴۴۱	<۵۰٪
	۱۹۸۰-۱۰۸/۱	ناخوانا	۹/۷۵۸	۹/۶۴۷	۹/۶۶۱	۵۲٪
	۱۹۵۹-۱۶۵/۴۰۲	ناخوانا	۹/۸۰۸	۹/۷۸۳	۹/۷۳۳	۵۹٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۳۴۱	ناخوانا	۱۰/۱۳۶	۱۰/۱۲۵	۱۰/۱۰۹	۷۹٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۲۷۶	ناخوانا	۹/۴۵۰	۹/۴۷۰	۹/۴۱۱	<۵۰٪
	۱۹۳۸-۱۴۸/۲۶۷	ناخوانا	۹/۵۱۷	۹/۵۳۱	۹/۵۰۶	<۵۰٪

سؤال نهایی که باید در این جا مطرح شود در مورد سرانجام سکه هویزه است. چنان که قبلاً خاطر نشان شد، آخرین نمونه تأیید شده که برای ما شناسایی شده متعلق به سال ۱۶۹۷/۱۱۰۸ است. این آخرین تاریخ ممکن و یکتایی نمونه باعث اعتبار اظهار نظر دوبروین^۹ در سال ۱۷۰۲ شد، مبنی بر این که سکه‌های هویزه‌ای که آن زمان هنوز به وفور در گردش بودند، در دوره شاهان قدیم همه منقش بوده‌اند.^{۱۰} وجود نمونه اخیر ضرورتاً باعث بی‌اعتباری این نظریه نمی‌شود که مسکوکات با دوره سلطنت شاه سلیمان که از سال ۱۶۹۴/۱۱۰۵ درگذشت خاتمه یافتند.

با فرض این که ضرب سکه در هویزه زمانی در دهه ۱۶۹۰ متوقف شد، بین سال ۱۰۹۲/۱۰۸۲ که مسکوکات تاریخ‌دار منظم کنار گذاشته شدند و آخرین سال ضرب خود سکه هنوز یک وقفه چشمگیر وجود دارد. آیا می‌توان گفت که مسکوکات بسیاری، اگر نه همه، بدون تاریخ در سال‌های میانی ضرب شدند؟ چنین فرضیه‌ای نیازمند ارزیابی به استناد افول آشکار در شکل ظاهر و وزن استانداردهای آلیاژ است، اما توسط اسناد و شواهد دیگر تأیید می‌شود. با فرض افول تدریجی، نتیجه‌ای که از محک وزن مخصوص به دست می‌آید این است که درجه سکه‌های بدون تاریخ که از کم‌ترین آلیاژ نقره برخوردار است، باعث افزایش وزن آنها شده است.

حتی معنادارتر شواهد کتبی است مبنی بر این که زمانی که فضای سیاسی در عربستان در دهه ۱۶۸۰/۱۰۹۰ رو به وخامت گذاشت ضرب منظم سکه در نهایت تا میانه این دهه به کار خود ادامه داد.

دلایل خوبی وجود دارد که نسبت به ارتباط مستقیم بین درگیری خانمان سوزی که بعد از مرگ سید علی‌خان، والی عربستان در سال ۱۶۷۸/۱۰۸۹ خاتمه ناگهانی نمونه مسکوکات تاریخ‌دار هویزه بعد از سال ۱۶۸۱/۱۰۹۲ تشکیل کنیم. مرگ سید علی‌خان با منازعات شدید جانشینی بین پسران متعدد او همراه بود که به تعویض سریع والیان منجر شد. اولین دو مدعی اولیه برای به دست آوردن این منصب، حیدر پسر سید علی‌خان و عبدالله پسر دیگرش بود که حیدر جانشین پدر شد، لکن در همان سال به درود حیات گفت و حیدر به سختی توانست شاه سلیمان را به کشتن برادرش متقاعد کند، اما وساطت صدراعظم، شیخ علی‌خان زندگی عبدالله را نجات داد، زیرا شیخ علی‌خان شاه را تشویق کرد که عبدالله را به خراسان تبعید کند. بعد از مرگ

حیدر دوباره رقابت بین اعضای خانواده از سر گرفته شد که بیش از پنج سال طول کشید تا این که در سال ۱۰۹۷/۱۶۸۹ عبدالله موفق شد بر تمام عربستان سیطره پیدا کند. دوره فرمانروایی عبدالله فقط هفت ماه طول کشید و فرج الله سومین پسر علی خان جانشین او شد.^{۶۱} کاملاً قابل تصور است که این ناآرامی و بی‌ثباتی شدید، زمینه ظاهر زنده بسیاری از سکه‌های هویزه را فراهم آورده است. رؤسای ضرابخانه‌های محلی که ثابت کرده بودند در جذب نقره خیلی موفق‌اند و شاید اینک نظارت جدی بر فعالیت آن‌ها وجود نداشت، وسوسه شده بودند بدون توجه زیاد به ظاهر و ساختار زیبایی‌شناختی، باشتاب و در حجم زیاد به ضرب محمودی‌های هویزه بپردازند. چنین طرحی با وضعیت پولی حاکم در این زمان، هماهنگ است. ممکن است در واقع، ضرب منظم سکه با جلوس سید فرج الله بن علی خان به مقام والیگری در سال ۱۶۸۷/۱۰۹۷ متوقف شده باشد. به نظر می‌رسد شاه در راستای حق خود نسبت به ضرب سکه محدودیت‌هایی را اعمال کرده باشد، اگر چه معلوم نیست آیا این بر محدودیت کلی فعالیت ضرب سکه دلالت داشت یا صرفاً تشدید در قوانین بود.^{۶۲} به هر ترتیب، هر گونه محدودیت حقوق ضرب سکه والی تقریباً به طور قطع به یک فرمان (حکم شاهانه) مربوط می‌شود که در ذی‌حجه ۱۰۹۵/ نوامبر - دسامبر ۱۹۸۴ توسط شاه سلیمان صادر شد^{۶۳} که طی آن [ضرب] سکه‌های تقلبی را ممنوع کرد بی‌شک این فرمان به نوبه خود دریافت «اصلاح» پول رایج که بر عهده حکومت بود در سال ۱۰۹۵ - ۱۰۹۶/۱۶۸۴ - ۱۶۸۵ صادر شد.

مقداری آشفستگی، نقش محمودی هویزه را در این رویداد احاطه کرده است. منابع متعددی گواهی می‌کنند که قبل از ضرب پول رایج جدید، حکومت اعلان می‌کرد که تمام سکه‌ها به جز عباسی ایروان و محمودی هویزه از اعتبار ساقط شده‌اند. کمپفر ادعا می‌کند که محمودی‌ها از این قاعده معاف شدند، زیرا از کیفیت قابل قبولی برخوردار بودند^{۶۴} مطلب اخیر از سوی نمایندگان کمپانی هند شرقی هلند تکذیب شده است، زیرا آن‌ها در سال ۱۶۸۵ اظهار تعجب کردند که سکه محمودی به رغم این واقعیت که محتوای نقره آن از حد استاندارد پایین‌تر می‌آمد همچنان در گردش باقی مانده بود. به هر حال گفته می‌شود از مدت‌ها پیش محمودی هویزه به تنها سکه رایج کشور مبدل شد.^{۶۵} از آن‌جا که حکومت مقدار خیلی کمی از پول‌های جدید موعود را ضرب کرد و از آن‌جا که تمام پول معتبر باقی مانده سریع به خارج از کشور جریان می‌یافت، بنابراین، کمبود پول رایج عمومی گسترش یافت. در این تحول، محمودی به زودی جمع

شده و لذا مانند دیگر پول‌های رایج کمیاب شد. به هر حال به این دلیل محمودی به رغم آلیاژ نقره پایین، توانست فقط در سال ۱۶۸۶ نرخ بالای قیمت تا ۱۵٪ را به دست آورد.^{۶۶} در این شرایط، ضربان هویزه می‌باید نه فقط انگیزه کافی برای تداوم فعالیت خود، بل که همچنین برای تحصیل حداکثر بازدهی را داشته باشند. به هر حال هیچ یک از این‌ها تاریخ‌های مفقوده را روشن نمی‌سازند. یک احتمال این است که ضربخانه عمداً در تاریخ دار کردن سکه‌ها مسامحه کرده تا این تصور را ایجاد کند که اصل و منشأ سکه‌های ضرب شده، در دوره قبل از افول کیفی عمومی مسکوکات بوده است.

در دهه ۱۶۹۰/۱۱۰۰ گردش محمودی‌های هویزه در ایران تداوم یافت، اما همه شواهد حاکی از این است که پس از آن دیگر ضرب نشدند. تداوم کشمکش‌های عربستان در دوره والیگری فرج الله منعکس کننده افول کلی نظم در دولت صفوی است. در سال ۱۱۰۴-۱۶۹۳/۱۱۰۶ گزارش داده شد که قبایل عرب در حومه شهر (حوالی هویزه) پرسه می‌زده و حتی در اوایل سال ۱۶۹۴ شهر را به محاصره درآورده‌اند. علاوه بر این با شیوع طاعون همه گیر وضعیت درهم آمیخته شد، به طوری که سرتاسر منطقه، از جمله شهر بصره را در دهه ۱۶۹۰/۱۱۰۰ مبتلا کرد. همان‌طور که در سال‌های بعد بحران سیاسی تداوم می‌یافت، باید وضعیت عربستان برای فعالیت‌های ضربخانه‌ای نامساعدتر شده باشد.

نتیجه گیری

در نگاه اول، شهر عرب زبان ضربخانه‌ای صفوی هویزه در جنوب غربی ایران، مکانی به نظر می‌رسید که آینده درخشانی در ابعاد توان‌مندی و منابع اقتصادی نداشت. به هر حال در یک بررسی دقیق‌تر، هویزه یا بیش‌تر ضربخانه‌اش، به آزمایشگاهی برای بررسی مسائل کاهش هزینه‌های اقتصادی و رکود اجتناب‌پذیری تبدیل می‌شود که پژوهشگر اواخر عصر صفوی با آن رو به روست. ضربخانه هویزه از برآمدن صفویان در اوایل دهه ۱۵۰۰ پیشی گرفت و تقریباً تا افول ستاره اقبال دولت صفوی در اوایل قرن هجدهم مشغول ضرب مسکوکات بود. این ضربخانه در سه ربع اول قرن هفدهم، هنگامی که محمودی هویزه به سکه تجاری اصلی کم ارزش در سراسر حوزه خلیج فارس بین بصره و سواحل غربی هند تبدیل شد، به نقطه اوج بازدهی خود دست یافت. هویزه بعضی ملاحظات جالب درباره شرایط پیچیده و متناقض که

تحول ضربخانه در ایران قرن هفدهم را احاطه کرده بود، میسر می‌سازد که در آن، ادغامی دائمی در تعداد کامل ضربخانه‌های فعال با تغییر در موقعیت آن‌ها به سوی شمال غربی نواحی مرزی با امپراطوری عثمانی مطابقت می‌کند. به نظر می‌رسد که تمرکز قدرت در دوره شاه عباس اول عامل اصلی این ادغام و توزیع مجدد باشد. در مقابل این جریان کلی، تعداد ضربخانه‌های عربستان اساساً گسترش یافت، این امر احتمالاً در نتیجه ادغام استقلال نسبی مداوم منطقه و خیزش فعالیت اقتصادی بوده است. سرانجام عربستان همزمان با ظهور هویزه به عنوان تنها ضربخانه فعال کشور در دوره شاه سلیمان، و با بقیه کشور همسو شده و تعداد ضربخانه‌های آن جا نیز کاهش یافت، حتی بعد از سال ۱۰۹۲/۱۶۱۸ که تقریباً تمام فعالیت ضرب سکه در ایران تعطیل شد، هویزه همچنان به عنوان ضربخانه‌ای فعال باقی ماند. این ضربخانه احتمالاً از طریق جریان فلز گران‌بهای تغذیه می‌شد که در پی یافتن راه خروجی به سوی هند بود و به لحاظ محدودیت شدید فزاینده که حاکمان صفوی اعمال می‌کردند، مکان امنی را جست‌وجو می‌کرد. بنابراین، زمانی که صفویان ضرب هر سکه دیگری را متوقف کردند، محمودی‌های هویزه شیوع یافتند، لذا ادعا می‌شد که این سکه تنها پول رایج ایران است. زمینه پاک شده بسیاری از مسکوکات باقی مانده، هنوز کاربرد وسیع این مسکوکات را گواهی می‌دهد.

در همان زمان که سکه هویزه فراوان شد، به لحاظ شکل ظاهری و محتوای نقره نیز افول یافت. مقایسه وزن‌شناسی آشکار می‌سازد که آخرین محمودی‌های هویزه با حاشیه نسبتاً پهن از وزن استاندارد رسمی پایین‌تر رفته است، علاوه بر این، سنجش وزن مخصوص، هرچند فی‌نفسه غیر دقیق، افول کیفی تدریجی محتوای فلز مسکوکات را همراه با سکه‌های دیگر که بالغ بر یک میلیارد می‌شود، نشان می‌دهد. اشکال نامنظم، طراحی ضعیف و کیفیت متوسط این باور را نسبت به سکه‌ها ایجاد می‌کند که سکه با شتاب زدگی توسط ضربانی ضرب شده که با حداقل نظارت قدرت مرکزی کار می‌کردند و به دنبال سود آنی بودند؛ سخت کار می‌کردند تا به حداکثر بازدهی برسند. ناامنی و بی‌ثباتی محلی ممکن است این فعالیت چشمگیر را متوقف ساخته و به خاتمه محمودی هویزه در آستانه قرن هجدهم منجر شده باشد.

علایم اختصاری-مجموعه های سکه شناسی

ANS: انجمن سکه شناسی امریکایی، نیویورک

BM: موزه بریتانیا، لندن

R.S.Poole: Poole فهرست سکه‌های شاهان ایران در موزه بریتانیا، (لندن ۱۸۷۷)

Tab: موزه تبریز (آذربایجان) در سید جمال ترابی طباطبائی، سکه‌های شاهان اسلامی ایران،

(تهران ۱۳۵۰/۱۹۱۷)

Tüb: مجموعه سکه شناسی دانشگاه توپینگن

یادداشت نویسنده: من مساعدت انجمن سکه شناسی امریکایی را که امکان حضور مرا در سمینار تابستانی ۱۹۹۳ فراهم کرد، به دیده منت ارج می‌گذارم. از دکتر مایکل بیتس^{۶۷} به خاطر مساعدت در آماده سازی این مقاله در خلال سمینار و بعد از آن، صمیمانه تشکر می‌کنم. عکس‌های انجمن سکه شناسی امریکایی توسط شارون ساچم گرفته شده و موجبات ادای احترام به انجمن سکه شناسی امریکایی را فراهم آورده است. همچنین از دکتر لوتس ایلش^{۶۸} از مرکز تحقیقات سکه‌شناسی اسلامی در دانشگاه ابرهارد کارلز^{۶۹} امکان دسترسی من به عکس‌های سکه‌های قدیمی مجموعه دانشگاه توپینگن را فراهم کرد و به من اجازه داد که آن‌ها را منتشر کنم، سپاس گزارم. همچنین از دکتر فرانسوا تیری^{۷۰} از کتابخانه ملی پاریس و دکتر امیلی ساواژ از موزه بریتانیا در لندن که اطلاعات و عکس‌ها را از روی لطف به من ارائه کردند، تشکر می‌کنم. از مساعدت آنجی هوست^{۷۱} در طراحی نقشه‌ها و از اعضای کارگاه فنی تاریخ اقتصادی و اجتماعی در مرکز فارغ التحصیلی دانشگاه شهری نیویورک، ۲۰ آوریل ۲۰۰۱ به دلیل اظهار نظرهای شان تشکر می‌کنم. از استپان آلبم^{۷۲} به دلیل مطالعه انتقادی نسخه اولیه این مقاله و مساعدت ارزشمند در تهیه نقشه‌ها تشکر ویژه دارم.

یادداشت‌ها

۱. اساساً عربستان فقط شامل بخش جنوبی ایالت قدیمی خوزستان و به طور دقیق‌تر، منطقه اطراف هویزه می‌شد. این منطقه در دوره زمامداری نادر شاه به طرف شمال گسترش یافت و شوشتر و دزفول را هم در برمی‌گرفت. فقط رضا شاه بود که در سال ۱۹۲۳ واژه عربستان را برانداخت و مجدداً نام خوزستان را بر کل ایالت اطلاق کرد ر.ک:

Caskel, "Die Wal.'s von Huwezeh", 416

و برای اطلاع از بحث کلی درباره تاریخ خوزستان ر.ک:

Soucek "Arabistan or khuzistan".

۲. خاستگاه‌های محمودی صفویان نامشخص است. آگاهی عمومی حاکی است که محمودی از شاه محمد خدابنده ریشه گرفته و نام خود، محمودی را از او اقتباس کرده است این باور ممکن است. به ملاحظه اولتاریوس نسبت به آن مفهوم بازگردد ر.ک:

Olearius, *Vermehrte neue Beschreibung*, 560

در واقع، امور مقدار زیادی پیچیده شده‌اند. سکه‌های دوشاهی پیش‌تر در دوره شاه طهماسب اول ۹۳۰-۹۸۴ / ۱۵۲۴-۱۵۷۷ اکثریت را دارا بودند و در دوره سلطنت کوتاه مدت شاه اسماعیل دوم (۹۸۴-۱۵۷۶/۹۸۵-۱۵۷۷) واحد رایج بودند. محمودی‌ها نیز در هند و به طور اخص در گجرات ضرب می‌شدند که ممکن است در دوره زمامداری بهادر شاه (۱۵۲۶-۱۵۳۶) پدیدار شده باشند. ر.ک:

Hodivala, *Historical studies in Mughal Numismatics*, 715 - 30

۳. یک محمودی هویزه در مجموعه دانشگاه خاراگف در اوکراین نگهداری می‌شود که به سال ۱۵۸۲/۹۹۱ (دوره زمامداری شاه محمد خدابنده) اسناد داده می‌شود، اما از آن جا که رواج نیافته باقی مانده، تاریخ آن باید محتاطانه تلقی شود. ر.ک: همین طور تاریخ دو نمونه در مجموعه ارمیتاژ در سنت پترزبورگ مشکوک است که احتمالاً بعد از سال ۱۱۱۰ ضرب شده باشند. یکی متعلق به سال ۱۱۱۰ / ۱۶۹۸-۱۶۹۹ است و دیگری از سال ۱۷۰۴/۱۱۱۶-۱۷۰۵ باقی مانده است. هر دو هنوز رواج نیافته‌اند. ر.ک:

A. Markov, *Inventarniy Katalog' musul, manskik monet'*, 717, no. 82 and no. 188

4. Tubingen

۵. ر.ک:

Mathee, "The safavid Mint of Huwayza".

6. Broome, *A Handbook List of Islamic Coins*, 172.

۷. برای اطلاع از لاری، ر.ک:

Wood, *The Gampola Larin Hoard*.

صرف نظر از لار و هرمز در جنوب ایران، سکه لاری در مکان‌های متنوعی در داخل ایران، همچنین در بصره و هند غربی ضرب می‌شد و در سراسر خلیج فارس و اقیانوس هند تا جزایر مالدیو در گردش بود. دلواله ارزش و شهرت آن را به شکل خاص آن که جعل آن را با اشکال رو به رو می‌کرد و به خلوص نقره اش ربط می‌دهد. ر.ک:

Della Valle, *Viaggi*, 2:434.

8. Hinz, "Die spatmittelalterliche Wahrungen", 306.

۹. شوستر، تذکره شوستر، ص ۴۷-۴۸.

۱۰. مطابق گزارش تاورنیه، سیاح فرانسوی، ایرانیان از کشف معادن در کشورشان غفلت کردند، زیرا با توجه به حجم گسترده طلا و نقره که از خارج به کشور وارد می‌شد، کشف معادن مقرون به صرفه نبود. ر.ک:

Tavernier, *Les six voyages*, 1, 619-20. در دهه ۱۶۸۰ تلاش مختصری برای بهره برداری از معادن نقره ایالت کرمان صورت گرفت. ر.ک: مشیزی، تذکره صفویه کرمان، برگ ۲۸۳.

11. See Matthee, "Between Venice and Surat"; and Floor and Clawson, "Safavid Iran's Search for Silver and Gold".

۱۲. برای اطلاع بیشتر در این مورد ر.ک:

Matthee, *The Politics of Trade in Safavid Iran*.

13. Ibid, p. 21.

۱۴. برای اطلاع بیشتر در مورد ناتوانی طهماست جهت پرداخت حقوق لشکریانش ر.ک: حسن بیگ روملو، احسن التواریخ، ۶۳۵.

۱۵. به عنوان مثال ر.ک: گزارش‌های اداره هند:

London. E/3/6/700.

نامه پیوستی پتوس Pettuas به کمپانی در ۲۷ سپتامبر ۱۶۱۸.

16. Pamuk, *A Monetary History of the Ottoman Empire*, 135-39.

17. Sahillioğlu, "The Role of International Monetary and Metal Movements." 285.

18. Pamuk, *A Monetary History*, 135-39.

19. Deyell, "The Development of akbar's Currency System," 33-38.

20. See Moosvi, "The Silver Influx," 58, 62-63.

21. Peter spufford

22. Spufford, *Money and Its Use*, 193.

23. Corlo Cipolla

24. Cipolla, *Money, Prices, and Civilization*, 9.

۲۵. به عنوان مثال ر.ک:

ARA, VOC 1285, de Haeze, Gamron to Heren XVII, 6 May 1673, fol. 385r.

26. See ARA, VOC 1291, de Haeze, Gamron to Heren XVII, 21 March 1674, fol. 558r; and VOC 1304, de Haeze, Gamron to Batavia, 24 May 1674, fol. 437; *ibid.*, Gamron to Batavia, 4 Sept. 1674, fol. 519v.; VOC 1343, گزارش‌های از وضعیت تجاری در ایران، 13 Feb. 1980, fol. 600.

27. Attman, *The Russian and polish Markets*, 192.

28. See India Office Records, London (از این به بعد IOR) EIC E/3/374258, Swally to Company, 22 Jan. 1677; and Arasaratnam, *Merchants, Companies and Commerce*, 195.

29. ARA, VOC 143 گزارش‌های از وضعیت تجاری در ایران 13 Feb. 1680. fol. 600; and Kaempfer, *Am Hofe des persischen Grosskunigs*, 124.

شاردن مدعی است که شاه سلیمان یک بیستم درآمدی را که به دست آورد خرج کرد و ما بقی را در خزانه گذاشت. ر.ک:

Chardin, *Voyages*, 5:414.

30. ARA, VOC 1251, Van Wijck, Gamron to Heren XVII, 6 April 1666, fol. 1330.

۳۱. برای اطلاع از سیاست کلی ر.ک:

Sanson, *Voyages*, 12-13.

Matthee, "Politics and Trade," 256-66.

32. See Sahillioğlu, "The Role of International Monetary and Metal Movements," 287.

33. Najaf Haidar, "Precious Metal Flows," 340, 353.

ضرابخانه بمبئی مشهور بود که در سال ۱۶۷۹ پولش تمام شده بود. ر.ک:

Fawcett, de., *The English Factories in India*, 160-61.

34. ARA, VOC 1304, Bent, Gamron to Batavia, 4 Sept, 1674, fol. 519v; VOC 1294, Bent, Gamron to Heren XVII, 5 Oct. 1674, fol. 32v.

35. See Album, "Iranian Silver Denominational Names," 20.

۳۶. برای اطلاع از این بحران و پاسخ حکومت به آن ر.ک:

Matthee. "Politics and Trade in Late Safavid Iran." 305-15.

۳۷. شهرهای بندری کوچک در خوزستان و کهگیلویه به طور گسترده‌ای از حوزه فرمانروایی صفویان خارج شد.

شیوخ عرب که در این مناطق فرمانروایی می‌کردند، سیطره دولت صفوی را پذیرفته بودند، به شرطی که آن‌ها

بر درآمد بنادر نظارت داشته و دولت صفویه شه‌بندی به آن‌جا نفرستد. ر.ک:

ARA, VOC, 1245, van, Wijck, Gamron to Heren XVII, 9 Jan. 1665, fol. 365V.

۳۸. موقعیت بصره به عنوان اتاق یاپای برای نقره ایران در سال ۱۶۸۵ وزیر اعظم شیخ علیخان را بر آن داشت

که شاه را نصیحت کند تا مقدار زیادی سکه جدید ضرب کند، زیرا او استدلال کرد چنین حرکتی جریان سکه را

به بصره شتاب خواهد بخشید. ر.ک:

ARA, VOC 1416, Casembroot, Gamron to Batavia, 9 April 1685, fol. 1677r.

۳۹. چارلز لاکیر (Charles Locker) که در سال‌های اولیه قرن هجدهم از مسقط بازدید کرده، خاطر نشان

می‌سازد که سکه‌های محمودی پول رایج در آن منطقه از خلیج فارس بود. ر.ک:

Lockyer, *An Account*, 211.

40. Hans van Santen

41. Van Santen, "de Verenigde Oost-Indische Compagnie," 82-83.

42. Cawarq

43. ARA, VOC 1323, Verdonk, Gamron to Batavia, 12 Aug. 1677. fol. 674v.

۴۴. به عنوان مثال ر.ک:

ARA, VOC 1332, Memorandum Bent, Gamron to Casembroot, Isfahan, 1 June 1679. fol.

921v; *ibid.*, Bent, Gamron to Isfahan, 1 June 1679; and VOC 1343, Verdonk, Basra to

Heren XVII, 8 Aug. 1680, fol. 619r.

نویسندگان این مکتوب به مقامات مافوق خود پیشنهاد کرده‌اند که با توجه به این وضعیت بهتر است زین پس

همه کالاهای تجاری با دوکات‌های طلا و ریال‌های اسپانیولی معامله شوند.

(Gresham's Law) قانون گرشم یک تئوری اقتصادی است که بر مبنای آن پول نامرغوب و غیر معتبر، یعنی

پولی از آلیاژ نامرغوب یا وزن غیر استاندارد، پول معتبر و مرغوب (پول سالم که مطابق استاندارد رسمی است) را

حذف می‌کند. این بدان معناست که دولت‌هایی که برای مردم کار نمی‌کردند پول را دست کاری کرده و احتکار

می‌کردند یا سکه‌های خوب را صادر کرده، کشور و اقتصاد با سکه‌های بی‌اعتبار و نامرغوب رو به رو می‌شود.

این توضیح جوابی است که مؤلف برای مترجم فرستاده است.

۴۵. به عنوان مثال ر.ک:

Coolhaas, ed, *General Missivan*, 705.

46. De Bruyn

47. De Bruyn, *Reizen over Moscovie*, 175.

۴۸. هلندیان به عنوان صادر کنندگان پول، سهم عمده ای در بازار پول داشتند. آن‌ها تماس یومیه خود را با صرافانی که با آن‌ها در معامله بودند حفظ کردند. به هر حال برای اجتناب از تکیه صرف به اطلاعات این منبع، اعضای کمپانی هند شرقی هلند هم که دراصفهان مقیم بودند با بازرگانان برجسته ارمنی که اشتغال در تجارت با ترکیه باعث شده بود آن‌ها از قیمت‌های شمش که از امپراطوری عثمانی می‌آمد اطلاع موثقی داشته باشند، رابطه نزدیک خود را حفظ کردند.

49. ARA, VOC 1323, Verdonk, Gamron to Batavia, 12 Aug. 1677, fol. 674v.

50. See ARA, VOC 1323, Bent, Gamron to Batavia, 21 May 1678, fol. 656r; and Fryer.

Anew Account, 2:350.

۵۱. برای اطلاع بیشتر در مورد سکه های منتشر شده از دوره سلطنت این دو پادشاه ر.ک:

Mathee, "The safavid mint of Huwayze".

من این سکه‌ها را از این جهت انتخاب کرده‌ام که یک طرف آن را با اطلاعات سلطنتی روی سکه و طرف دیگر را با اطلاعاتی مشتمل بر شعائر مذهبی بررسی کنم. برای توجیه و تبیین این کاربرد ر.ک:

Album, *A Chechlist of Islamic Coins*, 17.

۵۲. برای اطلاع از این رویه:

ARA, VOC 1644, Twee placaten wegens het stempelen der persi-aensche abasis en hetbillioen verklaren der valsche dittos, Colombo, 7 dec. 1688 and 27 Jan. 1691. See Codrington, *Ceylon Coins and Currency*, 113, 164.

همچنین مهرهای کمپانی هند شرقی هلند روی سکه‌های ضرابخانه تفلیس هم یافت شده‌اند. یکی از آن‌ها متعلق به سال ۱۶۸۲/۱۰۹۲ است؛ یعنی دوره‌ای که به کرات از پول متوسط در گردش یاد شده است. ر.ک:

Rabino di Borgomale, *Album of Coins*, table VIII, no. 211; and Fraehn, *Recensio*

Numorum Muhammedanorum, 468, no. 39.

53. Radzhabli, "Iz istorii monetnogo dela", 49.

54. Kuteliiam *Gruzii I sefevidskii Iran*, 35.

55. David Sellwod

56. David Sellwod

۵۷. برای اطلاع بیشتر در مورد کاربرد سنجش وزن مخصوص سکه‌های نقره و جدولی که تغییرات را نشان می‌دهد ر.ک:

Caley, *Analysis of Ancient Metals*, 59 - 79.

58. de Bruyn

59. de Bruyn, *Reizen over Moscovie*, 175-76; Dngl. Trans., *Travels into Muscovy*, 312-13; quoted in Rabino, *Coins, Medals, and Seals*, 41.

60. Shubbar, *Tarikh al-Musha'sha'yin*, 152-54.

۶۱ کسروی، تاریخ پانصد ساله خوزستان، ص ۸۷

62. Shubbar, *Tarikh al-Musha'sha'yin*, 155.
63. Kaempfer, *Am Hofe des persischen Grosskonigs*, 71.
64. ARAm VOC 1398, v/d Heuvel, Isfahan to Batavia, 30 Sept. 1685, fol. 640v.
65. De Bruyn, *Reizen over Moscovie*, 179.
66. Michael Bates
67. Lutz Ilisch
68. Eberhard Karls
69. Francois Thierry
70. Emily Savage
71. Angie Hoseth
72. Stephan Album



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی